

The Light and Shadow of Art Education: Explaining Challenges and Designing an Exit Model Based on the Lived Experiences of Iraqi Teachers

1. Suad Abbas Neamah Al-Tameemi^{ID}: PhD student, Department of Educational Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Leila Hosseini Tabaghdehi^{ID}*: Assistant Professor, Department of Educational Management, Ramsar Branch, Islamic Azad University, Ramsar, Iran

3. Falah Kadhim Hussein Al-Juaifari^{ID}: Associate Professor, Department of Art, Faculty of Art, University of Waset.

4. Zohreh Agha Kasiri^{ID}: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

*Corresponding Author's Email Address: lhtabaghdehi@iau.ac.ir

Abstract:

The present study aimed to identify the challenges of art education in high schools in Iraq and to propose a model for overcoming these challenges based on the lived experiences of art teachers. This qualitative study was conducted using a phenomenological approach. Participants included 20 high school art teachers from various cities in Iraq, selected through purposive sampling. Inclusion criteria were: a minimum of five years of teaching experience in art, employment in the formal education system of Iraq, and voluntary willingness to participate in the interviews. The data collection instrument was in-depth semi-structured interviews, which began with general guiding questions and proceeded flexibly according to the course of conversation. Data were analyzed using a three-stage coding method (open, axial, and selective). The findings led to the identification of three main categories of challenges: (1) Planning and instructional challenges (including the absence of practical activities, inefficient content, and uninspired teaching), (2) infrastructural and equipment-related challenges (such as lack of art tools, inadequate physical spaces, and absence of modern technologies), and (3) challenges related to teachers and students (such as weak professional development, lack of motivation, and negative attitudes). Subsequently, a multidimensional model was designed to address these challenges, incorporating strategies such as curriculum revision, strengthening of artistic infrastructure, professional development for teachers, and fostering student creativity. The findings can serve as a basis for decision-making to improve art education policies at the secondary school level in Iraq.

Keywords: art education, educational challenges, lived experiences, exit model, high school teachers, Iraq.

How to Cite: Al-Tameemi, S.A.N., Hosseini Tabaghdehi, L., Al-Juaifari, F.K.H., Agha Kasiri, Z. (2024). The Light and Shadow of Art Education: Explaining Challenges and Designing an Exit Model Based on the Lived Experiences of Iraqi Teachers. *Management, Education and Development in Digital Age*, 1(2), 283-312.



سایه روشن آموزش هنر: تبیین چالش‌ها و طراحی الگوی برون‌رفت مبتنی بر تجربه زیسته معلمان عراق

۱. سعاد عباس نعمه التمیمی^{ID}: دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. لیلا حسینی طبقدهی^{ID*}: استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد رامسر، دانشگاه آزاد اسلامی، رامسر، ایران.

۳. فلاح کاظم حسین الجعفری^{ID}: دانشیار، گروه هنر، دانشکده هنر، دانشگاه واسط.

۴. زهره آقا کثیری^{ID}: استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: lhtabaghdehi@iau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های آموزش هنر در دبیرستان‌های کشور عراق و ارائه الگویی برای برون‌رفت از این چالش‌ها بر پایه‌ی تجارب زیسته‌ی معلمان هنر انجام شده است. این پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی است. مشارکت‌کنندگان شامل ۲۰ نفر از معلمان هنر دبیرستان‌های شهرهای مختلف عراق بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل: داشتن حداقل ۵ سال سابقه تدریس هنر، اشتغال در آموزش و پرورش رسمی عراق، و تمایل داوطلبانه برای مشارکت در مصاحبه بود. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق بود که با هدایت پرسش‌های کلی آغاز شده و با توجه به روند گفت‌وگو، به صورت انعطاف‌پذیر ادامه یافت. داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) تحلیل گردید. نتایج پژوهش به شناسایی سه مقوله اصلی از چالش‌ها انجامید: چالش‌های برنامه‌ریزی و آموزشی (از جمله نبود فعالیت‌های عملی، محتوای ناکارآمد و تدریس بی‌روح)، چالش‌های زیرساختی و تجهیزاتی (نظیر کمبود ابزارهای هنری، فضای فیزیکی نامناسب و فقدان فناوری‌های نوین) و چالش‌های مربوط به معلمان و دانش‌آموزان (مانند ضعف توسعه حرفه‌ای، بی‌انگیزگی و نگرش منفی). در ادامه، الگویی چندبعدی برای برون‌رفت از این چالش‌ها طراحی شد که شامل راهکارهایی همچون بازنگری در برنامه درسی، تقویت زیرساخت‌های هنری، توسعه حرفه‌ای معلمان، و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان می‌باشد. یافته‌ها می‌توانند مبنای تصمیم‌سازی برای بهبود سیاست‌های آموزش هنر در سطح مدارس متوسطه عراق قرار گیرند.

کلیدواژه‌گان: آموزش هنر، چالش‌های آموزشی، تجارب زیسته، الگوی برون‌رفت، معلمان دبیرستان، عراق.

نحوه استناددهی: التمیمی، سعاد عباس نعمه، حسینی طبقدهی، لیلا، الجعفری، فلاح کاظم حسین، آقا کثیری، زهره. (۱۴۰۳). سایه‌روشن آموزش هنر: تبیین چالش‌ها و طراحی الگوی برون‌رفت مبتنی بر تجربه زیسته معلمان عراق. *مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال*، ۱(۲)، ۳۱۲-۲۸۳.



مقدمه

نظام‌های آموزشی در کشورهای مختلف همواره رشد متوازن و هماهنگ استعدادها و قابلیت‌های دانش‌آموزان را به‌منزله یکی از مهم‌ترین اهداف یا کارکردهای خود معرفی می‌کنند. در واقع، از طریق تأکید بر این کارکرد انتظار می‌رود که زمینه‌های لازم برای عینیت یافتن آنچه در ادبیات علوم تربیتی با عنوان پرورش یک انسان کامل مطرح است، فراهم شود. به همین دلیل، همواره مشخص‌ترین خط فکری انسان در زمینه هدف تربیت، رسیدن به کمال واقعی در زندگی بوده است. از این منظر، می‌توان یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزشی و برنامه‌های درسی در مسیر رشد متوازن و همه‌جانبه قابلیت‌های گوناگون یادگیرندگان را تربیت هنری برشمرد که نقشی انکارناپذیر در بروز و ظهور همه ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان دارد (Shariati et al., 2024; Thakur et al., 2024; Toto et al., 2024; Zhang et al., 2024).

هنر و عرصه‌های مختلف آن از حوزه‌ها و پدیده‌های بسیار مهم زندگی انسان است که تأثیرات بی‌بدیل فردی و اجتماعی آن همواره مورد توجه و تأکید صاحب‌نظران مختلف بوده است. چرا که هنر خاستگاه تجلی استعدادهای بالقوه افراد و بستری برای بروز و عینیت یافتن ظرفیت‌های درونی و متکثر انسان‌هاست. در واقع، نقش و پیامدهای گوناگون هنر در عموم افراد، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، حائز اهمیت بوده و اساساً هنر تأثیری ماندگار در پرورش ابعاد مختلف شخصیت انسان و رشد ویژگی‌ها و قابلیت‌های مختلف او دارد (Ebrahimi Nia et al., 2020; Zahiri et al., 2022).

آیزنر (۲۰۰۰)، از متفکران معروف و مدافعان جدی حضور هنر در نظام‌های آموزشی و برنامه‌های درسی، معتقد است باید بسترهایی را فراهم کرد تا یادگیرندگان از طریق این حوزه آموزشی و تربیتی، چهار زمینه یا مهارت اصلی یعنی تولید هنری، نقادی هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی را یاد بگیرند. البته در این زمینه باید ملاحظات ذهنی و رشدی فراگیران در مقاطع تحصیلی مختلف مورد توجه قرار بگیرد. از دیدگاه این صاحب‌نظر، اصولاً دانش‌آموزان از طریق هنر کیفیت‌ها و ظرافت‌هایی خاص را درک کرده و قادر به بکارگیری اشکالی از تفکر می‌شوند که به دنیای هنرها تعلق دارند. این اشکال نیازمند بهره‌مندی از فرآیندهایی است که از طریق آن‌ها آفرینش و بازآفرینی ذهنی آسان می‌شود. با چنین نگاهی، آیزنر معتقد است در کنار سه مهارت اصلی خواندن، نوشتن و حساب کردن، باید هنر به‌عنوان چهارمین مهارت اساسی مورد توجه مراکز آموزشی قرار بگیرد (Amini & Laghab Dost Arani, 2021).

تولستوی هنر را فعالیتی انسانی می‌داند که طی آن شخصی آگاهانه و از طریق نشانه‌های خارجی خاص، احساساتی را که تجربه کرده است به دیگران انتقال می‌دهد و دیگران هم از این احساسات متأثر می‌شوند و آن‌ها را تجربه می‌کنند. کالریج هنر را تعلیق آگاهانه نابوری، یعنی ورود به دریای نامحدود احتمالات می‌داند. در حالی که مایر (۱۴۰۱) تصریح می‌کند که هنر عقل و احساس را متحد، تخیل را تحریک، و محیط ما را دگرگون می‌کند. مندلسون معتقد است که هنر زیبایی را، که با احساسی مبهم ادراک می‌شود، به مرحله متعالی ارتقا می‌دهد (Amini, 2017; Amini & Laghab Dost Arani, 2021).

نجام دادن فعالیت‌های هنری در فضایی که کودکان آزادانه تخیل و اندیشه کنند، حواسشان تقویت شود، ظرفیت‌های نهفته هوش و تفکرشان پرورش یابد، عواطف و احساساتشان توسعه یابد و استعداد و خلاقیت‌هایشان شکوفا شود به تربیت هنری منجر می‌شود (نواب صفوی و همکاران، ۱۳۹۶). هنر به دانش‌آموزان می‌آموزد که مسائل می‌توانند بیش از یک راه‌حل داشته باشند و پرسش‌ها نیز می‌توانند بیش از یک پاسخ را به همراه داشته باشند. از طریق آموزش هنر، این مفهوم دریافت می‌شود که کارهای خوب با شیوه‌های مختلف انجام‌پذیرند (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۷).

هنر در آموزش نقش بسزایی دارد؛ به عنوان محوری که توانایی انتقال احساسات، تجربیات و ایده‌های انسان به شیوه‌های خلاقانه و جذاب را دارد. آموزش هنری، به‌ویژه در محیط‌های آزاد و تحریک‌کننده، می‌تواند به رشد توانایی‌های فردی و اجتماعی کمک کند. این نوع آموزش، افراد را تشویق می‌کند تا به مسائل از دیدگاه‌های مختلف نگاه کنند و راه‌حل‌های خلاقانه‌تری برای آن‌ها پیدا کنند. هنر به دانش‌آموزان یاد می‌دهد که همیشه چیزهای بیشتری برای کشف و یادگیری وجود دارد و این تفکرات را تقویت می‌کند که چالش‌ها را به‌عنوان فرصت‌هایی برای آموزش و پیشرفت ببینند (Ghajar, 2015).

با توجه به نقش بارز هنر در توسعه افراد، نظام‌های آموزشی باید فضاها و فرصت‌های لازم برای آموزش و پرورش هنری در میان دانش‌آموزان فراهم کنند. این برنامه‌ها باید از چارچوب‌های مناسب و جامعی برای آموزش مبانی هنر و تاریخچه‌های آن بهره‌برند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا ارتباط عمیق‌تری با هنر برقرار کنند و قابلیت‌های ذهنی، احساسی و خلاقیت خود را بیشتر کنند (Al-Jazaer, 2023).

اما نکته مهم آن است که علیرغم کارکردهای مثبت و چندگانه هنر و آموزش هنر در شکوفایی میزان قابلیت‌های دانش‌آموزان، توجه عملی به این حوزه درسی و آموزشی در مدارس و نظام آموزشی کشور عراق چندان زیاد نبوده و مشکلات و تنگنای گوناگونی در این زمینه وجود دارد. برخی شواهد پژوهشی نیز بیانگر این واقعیت است. آموزش هنر یکی از حوزه‌های مغفول نظام آموزشی کشور عراق بوده و به پدیده‌ای حاشیه‌ای و جانبی تبدیل شده و این ویژگی حتی در مورد کمبودهای پژوهش هنری نیز صادق است. وضعیت آموزش هنر در مدارس متوسطه کشور عراق به وضوح نشان‌دهنده‌ی چالش‌ها و مشکلاتی است که این حوزه با آن‌ها روبه‌رو است (Al-Jazaer, 2023).

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که آموزش هنر در نظام‌های آموزشی مختلف، چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در حال توسعه، نقش کلیدی در ارتقاء تعاملات آموزشی و پرورشی ایفا می‌کند. در مطالعه‌ی بون و کیسیدا (۲۰۲۳) در آمریکا، آموزش هنر به‌عنوان ابزاری برای افزایش مشارکت دانش‌آموزان و تقویت پیوند عاطفی با مدرسه مطرح شده است. به‌ویژه برای دانش‌آموزانی با سابقه تحصیلی ضعیف (Bowen & Kisida, 2023). از سوی دیگر، در تحلیل‌های نظری الجسار (۲۰۲۱) و العامری (۲۰۱۶)، بر اهمیت پیوند میان فرهنگ، فناوری، و آموزش هنر تأکید شده و استفاده از فضاها و هنری، فناوری نوین و نهادهای تخصصی از الزامات برنامه‌ریزی درسی معرفی شده‌اند (Al-Amiri, 2016; Al-Jassar, 2021). با این حال، اشنایدر و رومان (۲۰۲۱) با مرور نظام‌مند مطالعات تجربی، به محدودیت‌های کمی پژوهش‌ها از نظر تعمیم‌پذیری اشاره کرده‌اند (Schneider & Rohmann, 2021). در کشورهای در حال توسعه، پژوهش علی (۲۰۱۸) در فیجی و آردیپال (۲۰۱۷) در اندونزی، بر چالش‌های ساختاری، کمبود منابع و تعارض میان رویکردهای سنتی و نوین در آموزش هنر تأکید کرده‌اند (Ali, 2018; Ardipal, 2017). همچنین مطالعات داخلی از جمله پژوهش‌های داداشی، سبزه و بازگیر (۱۴۰۱) و ظهیری، گودرزی و بیانی (۱۴۰۱)، نشان‌دهنده نیاز به رویکردهای خلاقانه در تدریس هنر و طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر زیبایی‌شناسی هستند که می‌تواند آموزش هنر را در مدارس ایران و سایر کشورهای منطقه هدفمندتر و اثربخش‌تر نماید (Dadashi et al., 2022; Zahiri et al., 2022).

دراین راستا، خلاءهای پژوهشی بسیاری وجود دارد، یکی از خلأهای پژوهشی بالقوه برای موضوع طراحی الگوی برون رفت از چالش‌های آموزش هنر مبتنی بر تجارب زیسته معلمان هنر دبیرستان‌های کشور عراق می‌باشد که می‌تواند به دنبال شناسایی چالش‌ها و اراده راهکارها به بهبود کیفیت آموزش هنر در کشور عراق کمک نماید. مسئله‌ی اساسی در پژوهش، بررسی نحوه‌ی تأثیرگذاری تجربیات و تحصیلات هنری معلمان درس هنر دبیرستان‌های عراق بر کیفیت و کارایی آموزش هنری در این دوره‌های تحصیلی است. این تحقیق به دنبال شناخت عواملی است که از یک سو باعث توسعه و بهبود فرایند آموزش هنری در دبیرستان‌های عراق می‌شود و از سوی دیگر، مشکلات و موانعی را که ممکن است این فرآیند را محدود کرده و کاستی‌هایی در کیفیت آموزش ایجاد کنند، مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش سعی دارد با تحلیل دقیق تجربیات و دیدگاه‌های معلمان هنری، به پیشنهاد راهکارها و الگوهایی برای ارتقای کیفیت و کارایی آموزش هنری در دبیرستان‌های عراق بپردازد. از طرفی، این تحقیق می‌خواهد موانع و چالش‌هایی که معلمان هنری در روند آموزش هنری در دبیرستان‌های عراق ممکن است با آن‌ها مواجه شوند، شناسایی و راه‌حل‌هایی برای آن‌ها ارائه کند. از این رو، در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که الگوی برون‌رفت از چالش‌های آموزش هنر مبتنی بر تجارب زیسته معلمان هنر دبیرستان‌های کشور عراق چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شده است تا به بررسی عمیق تجربه‌های زیسته‌ی معلمان هنر در دبیرستان‌های کشور عراق پرداخته و چالش‌ها، راهکارها و ابعاد پنهان آموزش هنر را از دیدگاه آنان شناسایی کند. پژوهش کیفی با تمرکز بر درک معنا و تجربه‌های انسانی، برای فهم پدیده‌هایی که با بافت فرهنگی، تربیتی و فردی آمیخته‌اند، روشی مناسب به شمار می‌آید. انتخاب رویکرد پدیدارشناسی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که به جای بررسی متغیرهای از پیش تعریف‌شده، به سراغ بازنمایی تجربه‌های واقعی معلمان رفته و معنای آموزش هنر را از منظر آنان استخراج کند.



مشارکت‌کنندگان در این مطالعه معلمان هنر دبیرستانی در کشور عراق بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس معیار اشباع نظری انتخاب شدند. تلاش شد تا تنوعی از تجربه‌های آموزشی در میان معلمان منتخب وجود داشته باشد؛ از جمله تفاوت در سابقه تدریس، محیط جغرافیایی مدرسه و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی جامعه آموزشی. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که به‌صورت حضوری یا مجازی انجام شد و هر مصاحبه به‌طور متوسط بین ۴۰ تا ۶۵ دقیقه به طول انجامید. سوالات مصاحبه با محوریت شناخت چالش‌های آموزش هنر، شیوه‌های مواجهه با این چالش‌ها و دیدگاه معلمان درباره بهبود وضعیت موجود طراحی شده بودند.

تمامی مصاحبه‌ها با رضایت شرکت‌کنندگان ضبط، پیاده‌سازی و به‌دقت مرور شدند. تحلیل داده‌ها بر پایه الگوی سه‌مرحله‌ای کلایزی انجام گرفت که شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی بود. ابتدا واحدهای معنایی از متن استخراج و به‌صورت کدهای اولیه دسته‌بندی شدند، سپس کدهای هم‌معنا در مقولات فرعی و اصلی سازمان‌دهی گردیدند و در نهایت مضامین کلیدی و ساختار یافته‌ای که بازتاب‌دهنده تجربه معلمان بودند، استخراج شد. برای افزایش اعتبار یافته‌ها، روش بازبینی مشارکت‌کنندگان به کار گرفته شد؛ بدین صورت که نتایج اولیه با معلمان مصاحبه‌شونده به اشتراک گذاشته شد و نظر آنان درباره صحت و دقت تحلیل‌ها اخذ گردید. همچنین، بخشی از کدگذاری‌ها توسط پژوهشگر دوم انجام شد تا از پایایی در تحلیل‌ها اطمینان حاصل شود. به این ترتیب، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در قالب مضامین غنی، بیانگر ادراک، چالش‌ها و پیشنهادها برای معلمان هنر دبیرستان‌های عراق نسبت به وضعیت آموزش هنر بود.

یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در این پژوهش، ابتدا محتوای گردآوری‌شده از مصاحبه‌ها با معلمان هنر دبیرستان‌های عراق مورد بررسی دقیق قرار گرفت. در این فرآیند، بخش‌هایی از مصاحبه‌ها که حاوی معانی قابل استنباط و اطلاعات مرتبط با چالش‌ها و تجارب معلمان بودند، استخراج و شناسایی شدند. این اطلاعات شامل توضیحات و دیدگاه‌های معلمان درباره مشکلات آموزشی، محدودیت‌های موجود در تدریس هنر و پیشنهادات برای بهبود وضعیت آموزش هنر بودند. در مرحله بعد، این بخش‌های استخراج‌شده با توجه به پرسش‌های پژوهشی و اهداف مطالعه، تحلیل شدند و مفاهیم کلیدی برای تلخیص، ساده‌سازی و انتزاع کدگذاری گردید.

کدگذاری باز

اهمیت ندادن به درس هنر در نظام آموزشی
 مقاومت دانش‌آموزان در برابر روش‌های نوین
 متناسب نبودن پروژه‌ها با علایق دانش‌آموزان نبود ارزش‌گذاری کافی برای هنر فضای نامناسب کلاس‌ها
 عدم وجود برنامه‌ریزی منسجم درسی کوچک بودن کلاس‌ها اجرایی نشدن فعالیت‌های عملی نگرش منفی دانش‌آموزان به هنر
 پایین بودن کیفیت تدریس رویکردهای سنتی در تدریس هنر بی‌علاقگی دانش‌آموزان نبود تجهیزات مدرن کمبود منابع آموزشی تدریس خشک و بی‌روح
 عدم پشتیبانی از معلمان نبود تجهیزات مدرن کمبود معلمان متخصص نبود کتاب‌های تخصصی برنامه‌های درسی متمرکز بر حافظه
 فقدان حمایت‌های دولتی فقدان حمایت‌های دولتی
 مناسب نبودن نورپردازی نبود ابزارهای هنری مدرن کمبود بودجه درس هنر
 استفاده نکردن از نوآوری و تکنیک‌های مدرن نبود حمایت مالی برای معلمان فقدان آموزش‌های چندفرهنگی
 به روز نبودن برنامه‌های درسی عدم وجود کارگاه‌های عملی مجهز نبود تکنیک‌های مدرن تدریس
 کمبود دسترسی به مواد هنری بی‌توجهی به خلاقیت در برنامه درسی کم اهمیت بودن درس هنر در مدرسه
نبود فضای مناسب برای اجرای پروژه
 یادگیری محدود به قواعد و تکنیک‌های هنری

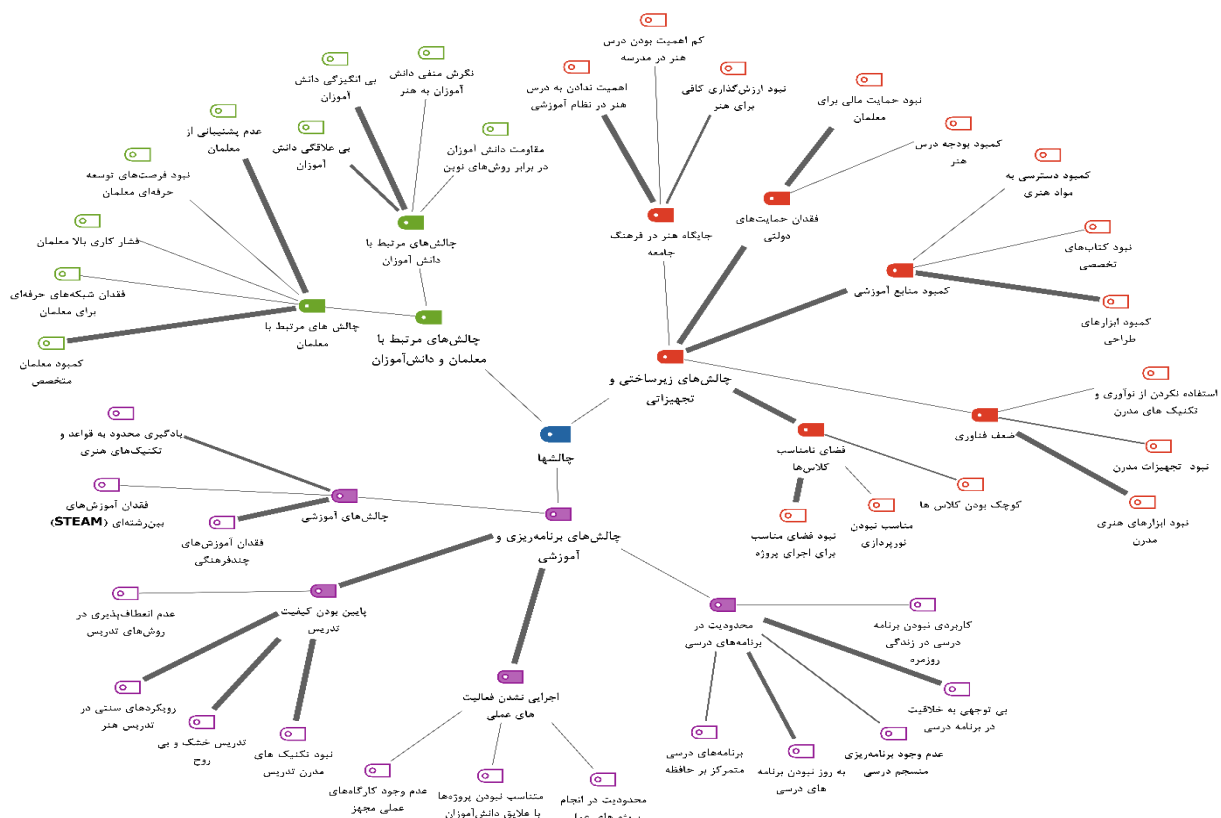
شکل ۱. شکل ابری کلمات حاصل از فرآیند کدگذاری باز

در این مرحله، از روش کدگذاری باز استفاده شد. کدگذاری باز به معنای تقسیم داده‌های متنی به بخش‌های کوچک‌تر و اختصاص کدهای اولیه به هر بخش است. هر بخش از داده‌ها که حاوی یک مفهوم یا چالش خاص بود، با کدی مشخص نام‌گذاری شد. در شکل ۱ شکل ابری کلمات حاصل از فرآیند کدگذاری باز ارائه شده است که نتیجه‌ای بصری از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است.

در تحلیل کیفی داده‌ها، شکل ابری کلمات پرتکرار نشان داد که سه چالش اصلی از دیدگاه معلمان هنر دبیرستان‌های عراق برجسته‌تر از سایر موارد هستند: نخست، «کمبود ابزارهای طراحی» که شامل نبود رنگ، بوم، تجهیزات دیجیتال و سایر وسایل مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های هنری است؛ دوم، «نبود فضای مناسب برای اجرای پروژه» که به

کدگذاری محوری

این کدها در شکل درختی ۲ نمایان است. در این شکل ضخامت خطوط بیانگر تکرار کد در ادبیات است. ویژگی‌های که پرتکرار در ادبیات با خطوط پر رنگ‌تر و ضخیم‌تر نمایش داده شده‌اند.



شکل ۲. شکل درختی کدگذاری چالش‌های برآمده از مصاحبه با دبیران

در این پژوهش، تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با معلمان هنر منجر به شناسایی سه مقوله اصلی از چالش‌های آموزش هنر در دبیرستان‌های عراق شد. نخست، «چالش‌های برنامه‌ریزی و آموزشی» که به مشکلاتی مانند نبود فعالیت‌های عملی، محتوای درسی غیرجذاب و روش‌های تدریس سنتی اشاره دارد. دوم، «چالش‌های زیرساختی و تجهیزاتی» که شامل محدودیت‌های فیزیکی، کمبود تجهیزات و فضای نامناسب برای اجرای فعالیت‌های هنری است. سوم، «چالش‌های مرتبط با معلمان و دانش‌آموزان» که به

مسائلی نظیر کمبود نیروی متخصص، بی‌انگیزگی دانش‌آموزان و مقاومت در برابر روش‌های نوین آموزشی مربوط می‌شود. این دسته‌بندی سه‌گانه، ابعاد ساختاری، فنی و انسانی مسئله را در قالبی منسجم تبیین می‌کند. این مقوله‌ها به شرح زیر تحلیل و تفسیر می‌شوند:

چالش‌های برنامه‌ریزی و آموزشی:

در این بخش به تحلیل و توضیح چالش‌های برنامه‌ریزی و آموزشی در تدریس هنر در دبیرستان‌های عراق پرداخته می‌شود که بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با معلمان هنر استخراج شده است. این تحلیل نشان می‌دهد که مشکلات و محدودیت‌های مختلفی در زمینه تدریس هنر وجود دارد که باعث کاهش کیفیت و اثرگذاری تدریس می‌شوند.

- اجرایی نشدن فعالیت‌های عملی

عدم وجود کارگاه‌های عملی مجهز: یکی از بزرگترین چالش‌ها که توسط دبیران مطرح شد، نبود کارگاه‌های عملی مجهز و فضای مناسب برای انجام پروژه‌های هنری بود. یکی از معلمان اشاره کرد: "برای مثال، کمبود منابع باعث می‌شود که فعالیت‌های عملی که به‌طور معمول در تدریس هنر نیاز است، نتوانند به‌طور کامل اجرا شوند. نبود کارگاه‌های عملی هنر یا تجهیزات مدرن، مانع از آموزش مهارت‌های کاربردی می‌شود." این مشکل به‌طور قابل توجهی بر کیفیت تدریس تأثیر می‌گذارد و به دانش‌آموزان اجازه نمی‌دهد که از تجربه‌های عملی و واقعی بهره‌مند شوند.

متناسب نبودن پروژه‌ها با علایق دانش‌آموزان: یکی از مشکلات دیگر که دبیران به آن اشاره کردند، این بود که برنامه‌های درسی هنر با نیازها و علایق دانش‌آموزان هم‌خوانی ندارند. یکی از معلمان توضیح داد: "برنامه‌های درسی هنر در بسیاری از مدارس به‌روز نشده‌اند و با نیازهای روز دانش‌آموزان هماهنگ نیستند. این باعث می‌شود که دانش‌آموزان نتوانند به خوبی با هنرهای معاصر و تکنیک‌های جدید آشنا شوند." این موضوع به کاهش انگیزه دانش‌آموزان در یادگیری هنر منجر می‌شود و ارتباط آن‌ها را با دنیای هنر معاصر کاهش می‌دهد.

محدودیت در انجام پروژه‌های عملی: یکی دیگر از مشکلات ذکر شده توسط معلمان، محدودیت در انجام پروژه‌های عملی به دلیل کمبود منابع و فضای مناسب بود. یکی از معلمان اظهار داشت: "این موضوع باعث می‌شود که دانش‌آموزان از تجربه‌های هنری واقعی که می‌توانند آن را به شکل کامل احساس کنند، محروم شوند." این مشکل تأثیر منفی بر انگیزه و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به هنر دارد.

- پایین بودن کیفیت تدریس

پایین بودن کیفیت تدریس یکی از بزرگترین نگرانی‌ها که در مصاحبه‌ها مطرح شد، تأثیرات محدودیت‌های منابع و زیرساخت‌ها بر کیفیت تدریس بود. یکی از معلمان گفت: "محدودیت‌ها باعث می‌شود که دانش‌آموزان از تجربه‌های هنری واقعی که می‌توانند آن را به‌طور کامل احساس کنند، محروم شوند. وقتی نتوانی پروژه‌های عملی را به شکل مناسب انجام دهی، کیفیت تدریس به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد." این شرایط باعث کاهش اعتماد به نفس دانش‌آموزان و کاهش اثرگذاری تدریس می‌شود.

تدریس خشک و بی‌روح: یکی از معلمان دیگر توضیح داد: "گاهی تدریس تبدیل به یک روند خشک و بی‌روح می‌شود که نه تنها برای دانش‌آموزان جذاب نیست، بلکه مانع از رشد خلاقانه آن‌ها می‌شود." این چالش به عدم توانایی معلمان در ایجاد محیطی مناسب برای بروز خلاقیت و فکر انتقادی در دانش‌آموزان اشاره دارد.

رویکردهای سنتی در تدریس هنر: معلمان همچنین به استفاده از روش‌های سنتی اشاره کردند که بیشتر بر تکرار و تقلید تأکید دارند تا بر خلاقیت و نوآوری. یکی از معلمان اذعان کرد: "بسیاری از مدارس همچنان از روش‌های تدریس سنتی استفاده می‌کنند که بیشتر بر تکرار و تقلید تأکید دارند، نه بر خلاقیت و نوآوری." این محدودیت‌ها مانع از پرورش تفکر خلاق و انتقادی در دانش‌آموزان می‌شود.

نبود تکنیک‌های مدرن تدریس: یکی دیگر از مشکلات بیان شده توسط معلمان، عدم استفاده از تکنیک‌های مدرن و نوآورانه در تدریس هنر بود. یکی از معلمان گفت: "معلمان هنر به‌ندرت از آموزش‌های پیشرفته یا حمایت‌های مالی بهره‌مند می‌شوند. این موضوع باعث می‌شود که نتوانیم به‌طور مؤثر از نوآوری‌ها و تکنیک‌های مدرن در تدریس استفاده کنیم." این مسئله نشان‌دهنده نیاز به به‌روزرسانی روش‌های تدریس و استفاده از تکنولوژی‌های مدرن در کلاس‌های هنر است.

- چالش‌های آموزشی

فقدان آموزش‌های چندفرهنگی: یکی از معلمان اظهار داشت: "عراقی کشوری با تنوع فرهنگی بالاست، اما در بسیاری از مدارس، هنر به‌طور کافی به فرهنگ‌های مختلف و هنرمندان محلی توجه نمی‌شود. این امر می‌تواند به نادیده گرفتن هویت فرهنگی دانش‌آموزان و احساس بی‌تعلق بودن در آن‌ها منجر شود." این مشکل باعث کاهش ارتباط دانش‌آموزان با فرهنگ‌های مختلف و هویت خودشان می‌شود.

یادگیری محدود به قواعد و تکنیک‌ها: بسیاری از معلمان اشاره کردند که بیشتر آموزش‌ها محدود به یادگیری قواعد و تکنیک‌هاست و فرصتی برای تفکر انتقادی و خلاقانه وجود ندارد. یکی از معلمان بیان کرد: "در بسیاری از مدارس، بیشتر به آموزش مهارت‌های فنی و حفظ اطلاعات پرداخته می‌شود تا به تشویق تفکر انتقادی و خلاق." این نگرش به یادگیری محدود باعث می‌شود که دانش‌آموزان نتوانند از هنر به‌عنوان ابزاری برای تفکر آزاد و خلاق استفاده کنند.

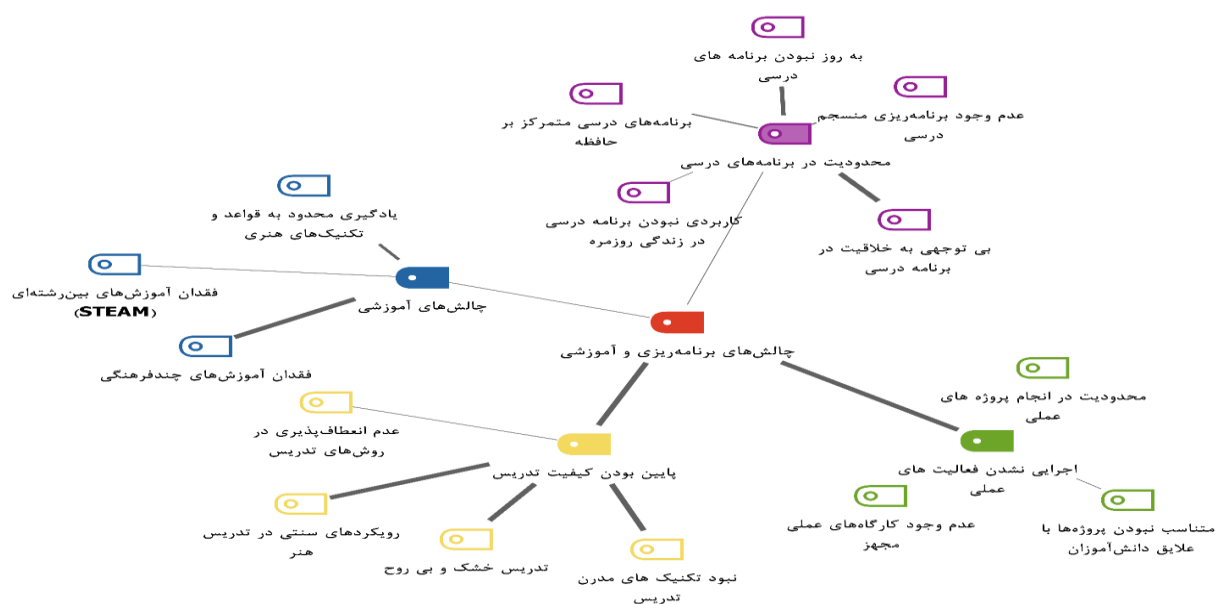
- محدودیت در برنامه‌های درسی

برنامه‌های درسی متمرکز بر حافظه: یکی از معلمان گفت: "برنامه‌های آموزشی محدودکننده که بیشتر بر حافظه تأکید دارند تا خلاقیت، باعث شده که در برخی مواقع نتوانیم برنامه‌های خلاقانه‌ای که به استانداردهای جهانی نزدیک باشد، به اجرا درآوریم." این محدودیت‌ها باعث می‌شود که هنر به‌عنوان یک فعالیت صرفاً حافظه‌ای و نه خلاقانه و تجربی در نظر گرفته شود.

به‌روز نبودن برنامه‌های درسی: بسیاری از معلمان به روز نبودن برنامه‌های درسی هنر اشاره کردند. یکی از معلمان اظهار داشت: "برنامه‌های درسی هنر در بسیاری از مدارس هنوز به‌روز نشده‌اند و با نیازها و چالش‌های روز جامعه همخوانی ندارند." این مشکل باعث می‌شود که دانش‌آموزان نتوانند با تکنیک‌ها و جریان‌های هنری معاصر آشنا شوند.

بی‌توجهی به خلاقیت در برنامه درسی: یکی از مشکلات عمده دیگر در برنامه‌های درسی، بی‌توجهی به خلاقیت است. یکی از معلمان بیان کرد: "برنامه‌های آموزشی محدودکننده که بیشتر بر حافظه تأکید دارند تا خلاقیت، باعث شده که در برخی مواقع نتوانیم برنامه‌های خلاقانه‌ای که به استانداردهای جهانی نزدیک باشد، به اجرا درآوریم." این مشکل باعث می‌شود که فرصت‌های کافی برای رشد خلاقیت دانش‌آموزان فراهم نشود.

عدم وجود برنامه‌ریزی منسجم درسی: یکی از مشکلاتی که معلمان به آن اشاره کردند، نبود برنامه‌ریزی منسجم درسی بود. یکی از معلمان توضیح داد: "کمبود ابزار و امکانات هنری یکی از مهم‌ترین محدودیت‌هاست. این مشکل گاهی اوقات باعث می‌شود که نتوانیم پروژه‌های پیچیده‌تر و متنوع‌تری اجرا کنیم." این امر نشان‌دهنده عدم هماهنگی و برنامه‌ریزی منظم در سطح مدارس است که تأثیر منفی بر آموزش هنر دارد.



شکل ۳. شکل درختی چالش‌های برنامه‌ریزی و آموزشی

چالش‌های زیرساختی و تجهیزاتی:

در این بخش به تحلیل و توضیح چالش‌های زیرساختی و تجهیزاتی در تدریس هنر در دبیرستان‌های عراق پرداخته می‌شود. این چالش‌ها شامل مشکلات مختلف در زمینه امکانات، فرهنگ و زیرساخت‌ها هستند که بر کیفیت تدریس و یادگیری هنر تأثیر منفی می‌گذارند. بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با معلمان، می‌توان این چالش‌ها را به چندین مقوله اصلی تقسیم کرد که در ادامه به تفصیل توضیح داده خواهند شد.

- جایگاه هنر در فرهنگ جامعه

اهمیت ندادن به درس هنر در نظام آموزشی: یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که در مصاحبه‌ها مطرح شد، این است که هنر در سیستم آموزشی عراق به‌طور جدی جایگاه خود را پیدا نکرده است. یکی از معلمان اظهار داشت: "هنر در نظام آموزشی ما غالباً در اولویت‌های پایین‌تری قرار دارد و این باعث می‌شود که نه تنها معلمان، بلکه خود دانش‌آموزان نیز به هنر به‌عنوان یک رشته جانبی نگاه کنند." این نگرش باعث می‌شود که معلمان و دانش‌آموزان به هنر به‌عنوان یک درس فرعی نگاه کنند و منابع و وقت کافی برای تدریس آن اختصاص داده نشود. این مشکل نه تنها بر تدریس اثرگذار است، بلکه باعث کاهش انگیزه و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به هنر نیز می‌شود.

کم‌اهمیت بودن درس هنر در مدرسه: چالش دیگری که توسط معلمان مطرح شد، بی‌توجهی به هنر در مدرسه و در مقایسه با دروس دیگر بود. یکی از معلمان به این موضوع اشاره کرد: "در بسیاری از مدارس، هنر تنها یک بخش کوچک از برنامه درسی است و بیشتر مدارس به مهارت‌های علمی مانند ریاضیات و علوم طبیعی توجه می‌کنند." این مسئله باعث می‌شود که دانش‌آموزان نیز اهمیت چندانی به هنر ندهند و این نگرش به تدریس هنر در مدارس و سیستم آموزشی آسیب می‌زند.

- ضعف فناوری

استفاده نکردن از نوآوری و تکنیک‌های مدرن: یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که معلمان به آن اشاره کردند، عدم استفاده از تکنیک‌های نوین و تکنولوژی‌های پیشرفته در تدریس هنر بود. یکی از معلمان گفت: "معلمان هنر به‌ندرت از آموزش‌های پیشرفته یا حمایت‌های مالی بهره‌مند می‌شوند. این موضوع باعث می‌شود که نتوانیم به‌طور مؤثر از نوآوری‌ها و تکنیک‌های مدرن در تدریس استفاده کنیم." این مشکل باعث می‌شود که معلمان نتوانند به‌طور مؤثر از ابزارهای دیجیتال و تکنیک‌های مدرن در تدریس هنر بهره‌برداری کنند و این عدم استفاده از فناوری‌های نوین، تدریس را محدود و سنتی می‌کند.

نبود تجهیزات مدرن: یکی دیگر از مشکلاتی که مطرح شد، عدم دسترسی به تجهیزات مدرن مانند دستگاه‌های دیجیتال طراحی بود. یکی از معلمان توضیح داد: "بسیاری از مدارس فاقد کتاب‌ها، ابزارهای هنری یا حتی تجهیزات مدرن مانند دستگاه‌های دیجیتال طراحی هستند که برای تدریس هنر بسیار ضروری‌اند." این کمبودها باعث می‌شود که معلمان نتوانند پروژه‌های گسترده و مفیدی را به دانش‌آموزان ارائه دهند و تدریس هنر را محدود به روش‌های سنتی و قدیمی کنند.

نبود ابزارهای هنری مدرن: یکی از معلمان به کمبود ابزارهای هنری پیشرفته مانند رنگ‌ها، بوم‌ها و تجهیزات دیجیتال اشاره کرد و گفت: "بسیاری از مدارس فاقد ابزارهای هنری مدرن هستند. این کمبودها مانع از آن می‌شود که دانش‌آموزان خلاقیت خود را به‌طور کامل به کار ببرند." این مسئله به‌ویژه در آموزش‌های عملی تأثیر زیادی دارد و باعث می‌شود که نتایج هنری دانش‌آموزان نتوانند به سطح مطلوب برسند.

- فضای نامناسب کلاس‌ها

کوچک بودن کلاس‌ها: یکی از مشکلات زیرساختی دیگر که به آن اشاره شد، فضای محدود کلاس‌ها بود. بسیاری از معلمان اظهار داشتند که کلاس‌های هنر در مدارس کوچک هستند و نمی‌توانند به‌طور مؤثر یک کارگاه هنری برگزار کنند. یکی از معلمان توضیح داد: "فضای محدود نیز انجام کارگاه‌های عملی را بسیار دشوار می‌کند. در برخی مدارس، کلاس‌ها به قدری کوچک هستند که نمی‌توان به‌طور مؤثر یک کارگاه هنری راه‌اندازی کرد." این مشکل باعث می‌شود که دانش‌آموزان نتوانند به‌طور کامل از تجربه‌های عملی بهره‌مند شوند.

مناسب نبودن نورپردازی: بسیاری از مدارس فاقد کلاس‌های مناسب برای تدریس هنر با نور و فضای کافی هستند. این مشکل بر کیفیت تدریس و پروژه‌های هنری تأثیرگذار است. یکی از معلمان اشاره کرد: "بسیاری از مدارس فاقد کلاس‌های مناسب برای تدریس هنر با نور و فضای کافی هستند." این کمبودها بر کیفیت تدریس و نتیجه نهایی پروژه‌های هنری تأثیر می‌گذارد.

نبود فضای مناسب برای اجرای پروژه‌ها: همچنین، یکی دیگر از مشکلات عمده در مدارس، نبود فضای مناسب برای اجرای پروژه‌های هنری بود. یکی از معلمان توضیح داد: "این مسئله نه تنها باعث می‌شود که تدریس من کم‌اثر شود، بلکه دانش‌آموزان هم احساس می‌کنند که قادر به ابراز خلاقیت‌های خود در فضای کلاس نیستند." این کمبود فضا باعث محدودیت‌های زیادی در آموزش عملی و پروژه‌های هنری می‌شود و باعث کاهش انگیزه و خلاقیت دانش‌آموزان می‌گردد.

- فقدان حمایت‌های دولتی

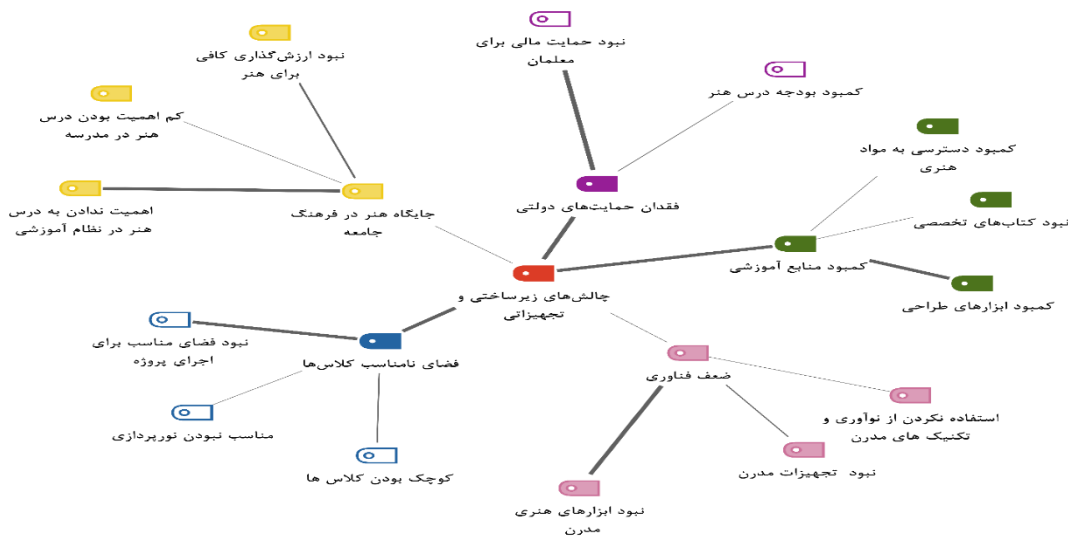
کمبود بودجه درس هنر: بسیاری از معلمان به کمبود بودجه برای تدریس هنر اشاره کردند. یکی از معلمان توضیح داد: "متأسفانه در عراق، هنر به‌عنوان یک اولویت در برنامه‌های آموزشی شناخته نمی‌شود. بنابراین، بسیاری از مدارس به‌طور جدی نمی‌توانند به آموزش هنر بپردازند و بودجه کافی برای این حوزه اختصاص نمی‌یابد." این مسئله به‌طور مستقیم بر کیفیت تدریس و فراهم کردن امکانات مورد نیاز برای آموزش هنر تأثیر منفی می‌گذارد.

نبود حمایت مالی برای معلمان: معلمان به‌دلیل عدم حمایت مالی و آموزشی کافی از طرف دولت قادر به ارائه تدریس مؤثر و نوآورانه نیستند. یکی از معلمان اذعان کرد: "معلمان به‌ندرت از آموزش‌های پیشرفته یا حمایت‌های مالی بهره‌مند می‌شوند. این موضوع باعث می‌شود که نتوانیم به‌طور مؤثر از نوآوری‌ها و تکنیک‌های مدرن در تدریس استفاده کنیم." این کمبود حمایت‌ها باعث محدود شدن توانایی‌های معلمان برای به‌کارگیری روش‌های جدید و مؤثر در تدریس هنر می‌شود.

- کمبود منابع آموزشی

معلمان همچنین به کمبود منابع آموزشی اشاره کردند. یکی از معلمان گفت: "این محدودیت‌ها باعث می‌شود که نتوانیم پروژه‌های گسترده و مفیدی را به دانش‌آموزان ارائه دهیم." کمبود منابع آموزشی، از جمله کتاب‌های تخصصی و ابزارهای هنری، باعث می‌شود که تدریس هنر با مشکلات جدی مواجه شود.

کمبود ابزارهای طراحی: بسیاری از مدارس فاقد ابزارهای هنری مانند رنگ‌ها، بوم‌ها و تجهیزات دیجیتال پیشرفته هستند که این مسئله مانع از بروز خلاقیت کامل در دانش‌آموزان می‌شود. یکی از معلمان بیان کرد: "گاهی وقت‌ها حتی برای تأمین وسایل اولیه مانند کاغذ یا رنگ، دچار مشکل می‌شویم." این کمبودها باعث محدودیت‌های زیادی در پروژه‌های عملی و خلاقانه می‌شود.



شکل ۴. شکل درختی چالش‌های زیرساختی و تجهیزاتی

چالش‌های مرتبط با معلمان و دانش‌آموزان:

چالش‌های مرتبط با معلمان و دانش‌آموزان در تدریس هنر در دبیرستان‌های عراق شامل مشکلات متعددی است که بر کیفیت تدریس و یادگیری هنر تأثیر می‌گذارد. این چالش‌ها نه تنها به معلمان، بلکه به دانش‌آموزان نیز مربوط می‌شود و باعث کاهش اثربخشی آموزش هنر در مدارس می‌شود. در ادامه به تحلیل این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

- چالش‌های مرتبط با معلمان

عدم پشتیبانی از معلمان: یکی از مشکلات عمده‌ای که معلمان به آن اشاره کردند، نبود پشتیبانی کافی از طرف مدارس و سیستم آموزشی است. این عدم پشتیبانی می‌تواند به‌ویژه در زمینه توسعه حرفه‌ای معلمان و فراهم کردن منابع آموزشی تأثیر منفی بگذارد. یکی از معلمان توضیح داد: "عدم وجود برنامه‌ریزی منسجم درسی و پشتیبانی از معلمان، باعث می‌شود که هنر در نظام آموزشی به حاشیه رانده شود". این مسئله نشان‌دهنده اهمیت پشتیبانی و آموزش‌های مستمر برای معلمان است تا بتوانند روش‌های نوین تدریس را در کلاس‌های خود به کار ببرند.

کمبود معلمان متخصص: یکی از چالش‌های دیگری که توسط معلمان مطرح شد، کمبود معلمان متخصص در زمینه آموزش هنر بود. یکی از معلمان اشاره کرد: "تعداد زیادی از معلمان هنر آموزش‌های رسمی در این زمینه نداشته‌اند و مهارت‌های لازم برای تدریس هنر به‌صورت تخصصی را ندارند." این کمبود تخصص باعث می‌شود که تدریس هنر به‌طور مؤثر و متناسب با نیازهای دانش‌آموزان انجام نشود و کیفیت آموزش کاهش یابد.

نبود فرصت‌های توسعه حرفه‌ای معلمان: بسیاری از معلمان به این نکته اشاره کردند که به‌ندرت فرصت‌هایی برای ارتقای مهارت‌های خود در زمینه تدریس هنر دارند. یکی از معلمان اظهار داشت: "نبود فرصت‌های توسعه حرفه‌ای برای معلمان باعث می‌شود که نتوانیم مهارت‌های جدید را در تدریس هنر به کار ببریم و از تکنیک‌های نوین بهره‌مند شویم." این چالش نشان‌دهنده نیاز به ایجاد برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های آموزشی برای معلمان است تا آن‌ها بتوانند به‌طور مداوم مهارت‌های خود را ارتقا دهند.

فشار کاری بالا معلمان: یکی دیگر از مشکلاتی که معلمان به آن اشاره کردند، فشار کاری زیاد و عدم زمان کافی برای تمرکز بر تدریس هنر بود. یکی از معلمان بیان کرد: «فشار کاری بالای معلمان باعث می‌شود که نتوانیم به‌طور مؤثر به تدریس هنر بپردازیم و از روش‌های نوین استفاده کنیم» این مشکل نشان‌دهنده نیاز به کاهش فشار کاری معلمان و تخصیص زمان کافی برای تدریس هنر است.

فقدان شبکه‌های حرفه‌ای برای معلمان: بسیاری از معلمان از عدم وجود شبکه‌های حرفه‌ای برای تبادل تجربیات و همکاری با دیگر معلمان هنر در سطح کشور شکایت داشتند. یکی از معلمان اشاره کرد: «فقدان شبکه‌های حرفه‌ای برای معلمان باعث می‌شود که نتوانیم تجربیات و دانش‌های خود را با دیگر معلمان به اشتراک بگذاریم و از تجربیات یکدیگر بهره‌مند شویم» این مشکل می‌تواند با ایجاد پلتفرم‌هایی برای ارتباط و همکاری معلمان هنر حل شود.

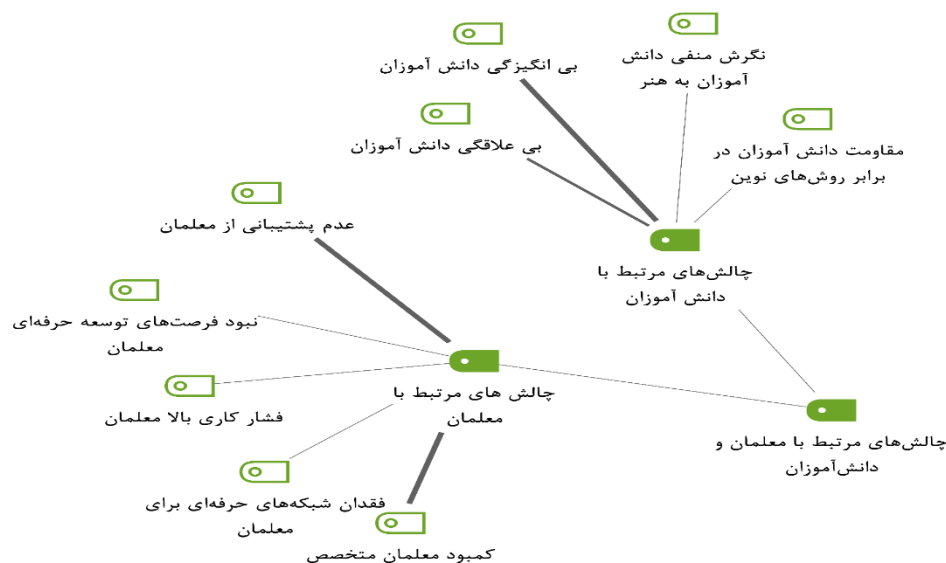
- چالش‌های مرتبط با دانش‌آموزان

بی‌انگیزگی دانش‌آموزان: یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در تدریس هنر، بی‌انگیزگی دانش‌آموزان به این درس است. بسیاری از دانش‌آموزان علاقه‌ای به هنر ندارند و این موضوع باعث کاهش کیفیت یادگیری آن‌ها می‌شود. یکی از معلمان گفت: «بی‌انگیزگی دانش‌آموزان به هنر باعث کاهش کیفیت تدریس و یادگیری می‌شود. وقتی برنامه‌های درسی به‌روز نیستند و روش‌های تدریس نواورانه وجود ندارد، دانش‌آموزان به سختی می‌توانند خلاقیت خود را در محیط آموزشی بروز دهند» این بی‌انگیزگی ناشی از چند عامل از جمله بی‌توجهی به هنر در جامعه و خانواده‌ها، نبود فضای مناسب برای بروز خلاقیت، و نبود پروژه‌های جذاب است.

بی‌علاقگی دانش‌آموزان: بسیاری از دانش‌آموزان هنر را به عنوان یک درس جانبی و غیرضروری می‌بینند. این موضوع باعث می‌شود که آن‌ها نتوانند به‌طور کامل از فرصت‌های یادگیری در هنر بهره‌مند شوند. یکی از معلمان بیان کرد: «در ابتدا، دانش‌آموزان علاقه زیادی به درس هنر نداشتند و بسیاری از آن‌ها هنر را به نقاشی و طراحی محدود می‌کردند» این بی‌علاقگی باعث می‌شود که دانش‌آموزان نتوانند خلاقیت‌های خود را به‌طور کامل بروز دهند.

مقاومت دانش‌آموزان در برابر روش‌های نوین: یکی دیگر از چالش‌های عمده، مقاومت دانش‌آموزان به استفاده از روش‌های نوین و فناوری در تدریس هنر است. یکی از معلمان گفت: «بزرگ‌ترین چالش، مقاومت در برابر تغییر است. بسیاری از دانش‌آموزان و حتی همکاران نسبت به استفاده از روش‌های نوین تدریس و فناوری در آموزش هنر واکنش نشان می‌دهند» این مقاومت به‌ویژه در مناطق روستایی بیشتر مشاهده می‌شود، جایی که دانش‌آموزان کمتر با ابزارهای مدرن آموزشی آشنا هستند.

نگرش منفی دانش‌آموزان به هنر: در برخی جوامع، به‌ویژه در نواحی روستایی و سنتی‌تر، هنر به‌عنوان یک فعالیت کم‌ارزش و بی‌فایده تلقی می‌شود. یکی از معلمان اظهار کرد: «در برخی جوامع، به‌ویژه در نواحی روستایی و سنتی‌تر، هنر به اندازه کافی جدی گرفته نمی‌شود. این نگرش باعث می‌شود که هنر جایگاه واقعی خود را در ذهن دانش‌آموزان پیدا نکند» این نگرش منفی باعث کاهش انگیزه دانش‌آموزان به درس هنر می‌شود و به‌طور مستقیم بر یادگیری و بروز خلاقیت آن‌ها تأثیر می‌گذارد.



شکل ۵. شکل درختی چالش‌های معلمان و دانش‌آموزان

چالش‌های تدریس هنر در دبیرستان‌های عراق پیچیده و چندوجهی هستند. از یک سو، محدودیت‌های منابع و تجهیزات، فضای نامناسب کلاس‌ها و نگرش‌های فرهنگی باعث شده‌اند که هنر در سیستم آموزشی این کشور جایگاه ضعیفی داشته باشد. از سوی دیگر، مشکلات مربوط به روش‌های تدریس سنتی، عدم توجه به خلاقیت و نوآوری در برنامه‌های درسی و مشکلات مرتبط با معلمان و دانش‌آموزان باعث می‌شود که آموزش هنر نتواند به‌طور مؤثر در توسعه خلاقیت و مهارت‌های هنری دانش‌آموزان نقش‌آفرینی کند. برای حل این چالش‌ها، نیاز به تغییرات اساسی در سیستم آموزشی، به‌ویژه در زمینه تأمین منابع و بهبود روش‌های تدریس وجود دارد. برخی از واحدهایی معنایی مستخرج از مصاحبه با دبیران در جدول ۱ به تفصیل آمده است.

جدول ۱. کدهای باز، محوری و اصلی چالش‌های تدریس هنر

کد اصلی	کد فرعی	کد باز
چالش‌ها	اجرایی	عدم وجود کارگاه‌های عملی مجهز
ی	فعالیت‌های عملی	متناسب نبودن پروژه‌ها با علایق دانش‌آموزان
برنامه‌ریزی و	پایین بودن کیفیت تدریس	محدودیت در انجام پروژه‌های عملی
آموزشی	تدریس	پایین بودن کیفیت تدریس
		تدریس خشک و بی روح
		رویکردهای سنتی در تدریس هنر
		نبود تکنیک‌های مدرن تدریس
	چالش‌های آموزشی	فقدان آموزش‌های چندفرهنگی
		یادگیری محدود به قواعد و تکنیک‌های
	محدودیت	برنامه‌های درسی متمرکز بر حافظه:
	برنامه‌های درسی	به روز نبودن برنامه‌های درسی
		بی توجهی به خلاقیت در برنامه درسی:
		عدم وجود برنامه‌ریزی منسجم درسی:
چالش‌ها	جایگاه هنر	اهمیت ندادن به درس هنر در نظام آموزشی
ی	فرهنگ جامعه	اهمیت ندادن به درس هنر در نظام آموزشی
زیرساخت		کم اهمیت بودن درس هنر در مدرسه
		نبود ارزش‌گذاری کافی برای هنر

ی و ضعیف فناوری	استفاده نکردن از نوآوری و تکنیک‌های مدرن
تجهیزاتی	نبود تجهیزات مدرن
	نبود ابزارهای هنری مدرن
فضای نامناسب	کوچک بودن کلاس‌ها
کلاس‌ها	مناسب نبودن نورپردازی
	نبود فضای مناسب برای اجرای پروژه
فقدان حمایت‌های دولتی	کمبود بودجه درس هنر
	نبود حمایت مالی برای معلمان
کمبود منابع آموزشی	کمبود منابع آموزشی
	کمبود ابزارهای طراحی
	کمبود دسترسی به مواد هنری
	نبود کتاب‌های تخصصی
چالش‌ها	چالش‌های مرتبط با عدم پشتیبانی از معلمان
ی مرتبط	معلمان
با معلمان	چالش‌های مرتبط با بی‌انگیزگی دانش‌آموزان
و دانش‌آموزان	بی‌علاقگی دانش‌آموزان
دانش‌آموزان	مقاومت دانش‌آموزان در برابر روش‌های نوین
ن	نگرش منفی دانش‌آموزان به هنر

در این بخش از پژوهش، به تحلیل راهکارهای مؤثر برای مقابله با چالش‌های تدریس هنر در دبیرستان‌های عراق پرداخته شده است. این راهکارها بر پایه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با معلمان هنر استخراج شده و بازتاب‌دهنده‌ی تجربه‌های زیسته و دیدگاه‌های عملی آن‌ها در زمینه ارتقای کیفیت آموزش هنر است. هدف اصلی، شناسایی پیشنهادهایی است که بتوانند به بهبود فرآیند تدریس و رفع موانع ساختاری، محتوایی و انسانی موجود کمک کنند. تحلیل انجام‌شده به‌صورت مرحله‌ای شامل کدگذاری باز و محوری بوده و در نهایت، سه محور اصلی شامل ارتقای روش‌های تدریس، بهبود زیرساخت‌ها و تجهیزات، و حمایت حرفه‌ای و انگیزشی از معلمان شناسایی شده است. این محورها از دل ۱۱ کد فرعی و ۵۶ کد باز استخراج شده‌اند که هر یک به یکی از جنبه‌های کلیدی بهبود وضعیت آموزش هنر در مدارس اشاره دارند. راهکارهای پیشنهادی شامل بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین، اصلاح برنامه‌های درسی، توسعه کارگاه‌های عملی، و فراهم‌سازی حمایت‌های مالی و آموزشی برای معلمان است.

کدگذاری باز

در این بخش، از روش کدگذاری باز برای تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها و استخراج راهکارهای مؤثر برای بهبود تدریس هنر استفاده شد. کدگذاری باز یکی از روش‌های کلیدی در تحلیل داده‌های کیفی است که به‌وسیله آن می‌توان داده‌ها را به بخش‌های کوچکتر تقسیم کرده و آن‌ها را به کدهای خاص و معنادار نسبت داد. در این فرآیند، تمامی بخش‌های مرتبط با راهکارهای تدریس هنر که از تجربیات دبیران استخراج شده‌اند، به‌طور دقیق شناسایی و کدگذاری شدند.

شکل ابری ۶ که به تحلیل راهکارهای مؤثر در تدریس هنر پرداخته است، به‌خوبی مفاهیم و راهکارهای کلیدی را که برای بهبود کیفیت تدریس هنر از سوی معلمان ارائه شده است، نمایش می‌دهد. در این شکل، کلمات با تکرار بیشتر بزرگتر و برجسته‌تر نشان داده شده‌اند، که این به معنای تأکید بیشتر بر آن کلمات در پاسخ‌های معلمان است.

فناوری‌های واقعیت افزوده

(AR) واقعیت مجازی، مجازی
تشکیل گروه‌های تخصصی و برگزاری نشست‌های منظم

تأمین منابع و امکانات آموزشی آشنا کردن دانش آموزان با فرهنگ و تاریخ محلی حمایت‌های جامعه از هنر

ایجاد شبکه معلمان برای اشتراک‌گذاری تجربیات

انجام بحث‌های گروهی روش‌های نوین تدریس هنر تدریس فراتر از کتب درسی تقویت جایگاه هنر در برنامه درسی

پروورش خلاقیت و تفکر انتقادی نمایش آثار در نمایشگاه فرهنگی

استفاده از رسانه‌های اجتماعی به روزرسانی برنامه درسی تجربه های عملی در تدریس استفاده از فناوری

توسعه حرفه‌ای معلمان

ایستادگی برای بیان فردی و اجتماعی هنر ابزار درمان روانی استفاده بهینه از منابع موجود

داستان‌های خانوادگی با محلی حمایت از تنوع فرهنگی تقویت جایگاه هنر در سیاست‌های آموزشی

برگزاری نمایشگاه دانش‌آموزی ایجاد سیستم نظارت و پشتیبانی حقوق بشر و تفاوت‌های فرهنگی

استفاده از وسایل در دسترس استفاده از مواد بازیافتی اختصاص بودجه بیشتر به هنر توسط دولت

استفاده از برنامه‌های دیجیتال نقاشی‌هایی با موضوعات فرهنگی محلی

توجه به سبک های یادگیری دانش آموزان افزایش انگیزه دانش آموزان از طریق پروژه همکاری تیمی معلمان هنر

تلفیق هنر با فرهنگ‌های محلی مدیریت چالش‌های زندگی با آموزش هنر

تقویت حس تعلق به فرهنگ خود

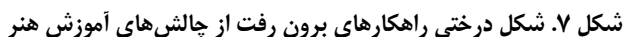
شکل ۶. شکل ابری کدهای باز راهکارهای حاصل از مصاحبه

تحلیل مفاهیم پرتکرار در شکل ابری راهکارها نشان می‌دهد که معلمان هنر بر چند محور کلیدی برای بهبود کیفیت تدریس تأکید دارند. نخست، «توسعه حرفه‌ای معلمان» که شامل نیاز به آموزش‌های تخصصی و ارتقای مهارت‌های تدریسی است. دوم، «ایجاد شبکه‌های اشتراک تجربیات» که با بیشترین تکرار، نشان‌دهنده تمایل معلمان به همکاری و یادگیری جمعی از طریق گروه‌های آموزشی و کارگاه‌های مشترک است. سوم، «پروورش خلاقیت و تفکر انتقادی»، که معلمان آن را برای ارتقای توانمندی دانش‌آموزان ضروری می‌دانند و پیشنهادهایی مانند پروژه‌های گروهی و نمایشگاه‌های هنری ارائه کرده‌اند.

همچنین، استفاده از «روش‌های نوین و فناوری‌های آموزشی» مانند ابزارهای دیجیتال و واقعیت افزوده، به‌عنوان راهکار مؤثر در افزایش جذابیت و اثربخشی آموزش مطرح شده است. تأکید معلمان بر پروژه‌های مشارکتی، همکاری‌های گروهی و فضای یادگیری تعاملی، بازتابی از رویکردهای نوآورانه‌ای است که می‌تواند به رفع چالش‌های فعلی آموزش هنر در مدارس کمک کند.

کدگذاری محوری

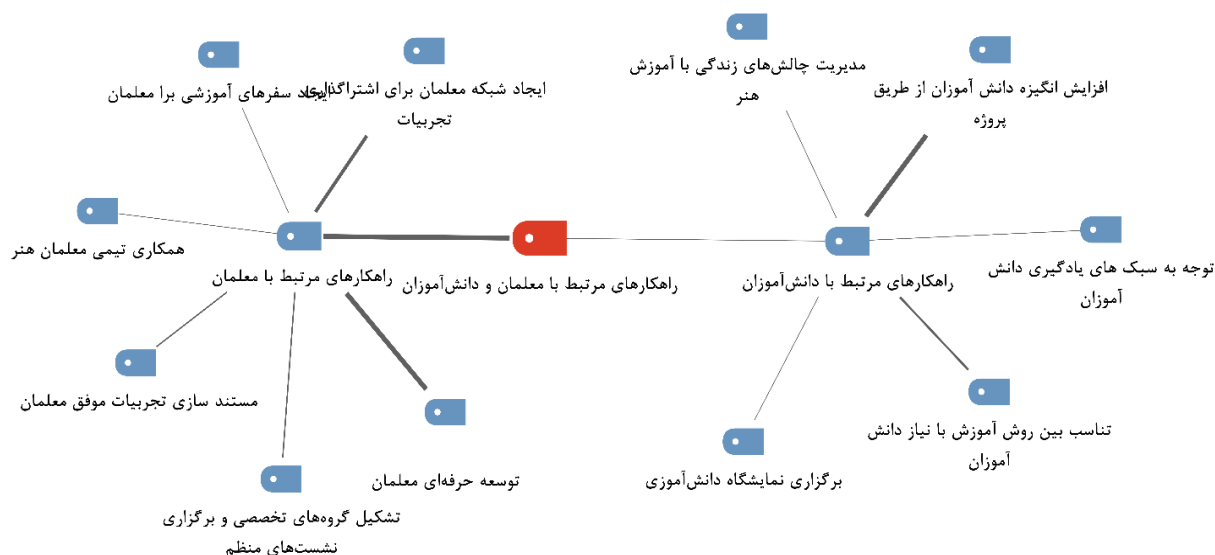
در این مرحله از تحلیل، پس از استخراج کدهای باز مرتبط با راهکارهای بهبود تدریس هنر، داده‌ها به‌صورت نظام‌مند بازبینی و با استفاده از کدگذاری محوری دسته‌بندی شدند. هدف این مرحله، شناسایی و سازمان‌دهی مفاهیم مشترک در قالب مقوله‌های جامع‌تر بود تا بتوان به درک عمیق‌تری از راهکارهای پیشنهادی معلمان دست یافت. مفاهیم مشابه با یکدیگر ادغام شدند و به شکل سه مقوله اصلی ساختار یافتند که در شکل درختی ۷ نیز به‌صورت بصری نمایش داده شده است.



در ادامه، هر کدام از این کدها به همراه راهکارهای استخراج‌شده و اشاره به نقل قول‌ها توضیح داده خواهد شد.

راهکارهای مرتبط با معلمان و دانش‌آموزان

این کد اصلی شامل دو کد فرعی است که به تفصیل در این بخش تحلیل می‌شوند: راهکارهای مرتبط با دانش‌آموزان و راهکارهای مرتبط با معلمان. شکل ۸ شکل درختی این دسته از راهکارها را نشان می‌دهد.



شکل ۸. شکل درختی راهکارهای مرتبط با معلمان و دانش‌آموزان

- راهکارهای مرتبط با دانش‌آموزان

راهکارهای مرتبط با دانش‌آموزان به روش‌هایی اشاره دارند که باعث تقویت انگیزه، افزایش مشارکت و رشد خلاقیت در میان دانش‌آموزان می‌شود. این راهکارها به طور خاص بر پروژه‌های هنری و مشارکتی متمرکز هستند که به دانش‌آموزان امکان می‌دهند که تجربه‌های عملی و معناداری را از هنر به دست آورند.

راهکار اول: افزایش انگیزه دانش‌آموزان از طریق پروژه‌ها یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی برای افزایش انگیزه دانش‌آموزان، ایجاد حس مالکیت در پروژه‌ها است. به عنوان نمونه، یکی از معلمان اشاره کرد که: "یکی از دانش‌آموزان نقاشی‌اش را در یک نمایشگاه محلی به نمایش گذاشت که نه تنها باعث افتخار مدرسه شد، بلکه خود دانش‌آموز نیز احساس غرور زیادی داشت". این نوع پروژه‌ها نه تنها باعث افتخار دانش‌آموزان می‌شود، بلکه انگیزه آن‌ها را برای ایجاد آثار هنری بیشتر می‌کند. نمایش آثار هنری در جامعه به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که هنر می‌تواند به عنوان یک رسانه معتبر در جامعه شناخته شود و آنان را به ادامه فعالیت‌های هنری ترغیب می‌کند.

راهکار دوم: مدل آموزش پروژه‌محور آموزش پروژه‌محور یکی دیگر از راهکارهای مؤثر بود که به ویژه در مواقعی که امکانات محدود است، توانسته بود انگیزه دانش‌آموزان را افزایش دهد. یکی از معلمان اشاره کرد: "پروژه‌هایی که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند خودشان موضوع پروژه‌ها را انتخاب کنند، باعث افزایش انگیزه و خلاقیت آن‌ها می‌شود". این نوع پروژه‌ها، دانش‌آموزان را به فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب موضوعات هنری می‌کشاند و به آن‌ها حس مسئولیت می‌دهد. همچنین این روش باعث ایجاد ارتباط عمیق‌تر میان دانش‌آموز و پروژه‌های هنری می‌شود. این مشارکت بیشتر باعث ارتقاء خلاقیت و ایده‌پردازی آن‌ها خواهد شد.

راهکار سوم: برگزاری نمایشگاه‌های دانش‌آموزی برگزاری نمایشگاه‌های هنری نیز به عنوان یک راهکار مؤثر ذکر شده است. در این راستا یکی از معلمان گفت: "این نمایشگاه به ویژه در یک جامعه که هنر چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، تحول بزرگی بود. دانش‌آموزان با افتخار آثار هنری خود را به نمایش گذاشتند و این باعث شد که نه تنها والدین، بلکه اعضای جامعه نیز به هنر اهمیت بیشتری بدهند". این رویداد نه تنها به عنوان یک تجربه هنری برای دانش‌آموزان است، بلکه با تأثیر بر جامعه و والدین، نقش آموزش

هنر را در جامعه تقویت می‌کند و باعث ایجاد توجه بیشتر به هنر در مدارس می‌شود. در واقع، برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی هم برای دانش‌آموزان و هم برای جامعه‌ای که ممکن است هنر را به‌اندازه کافی جدی نگرفته باشد، تحول‌آفرین است.

- راهکارهای مرتبط با معلمان

این بخش به راهکارهایی اختصاص دارد که معلمان می‌توانند به‌وسیله آن‌ها کیفیت تدریس هنر را ارتقا دهند و همچنین راهکارهایی که معلمان می‌توانند برای تسهیل فرآیند یاددهی-یادگیری به‌کار گیرند.

راهکار اول: توسعه حرفه‌ای معلمان یکی از راهکارهای اصلی برای ارتقای کیفیت تدریس، توسعه حرفه‌ای معلمان است. این شامل آموزش‌های مداوم برای معلمان در زمینه روش‌های نوین تدریس و استفاده از تکنیک‌های جدید هنری است. یکی از معلمان اظهار داشت: "آموزش‌های مداوم برای معلمان در زمینه روش‌های نوین تدریس و استفاده از تکنیک‌های جدید هنری می‌تواند کیفیت تدریس را ارتقا دهد." این نوع آموزش‌ها به معلمان کمک می‌کند که با رویکردهای جدید و نوآورانه در تدریس آشنا شوند و مهارت‌های خود را به‌روز کنند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های بازآموزی می‌تواند به معلمان کمک کند که از تکنیک‌های جدید و روش‌های نوین در تدریس بهره‌برداری کنند و تدریس خود را بهبود بخشند.

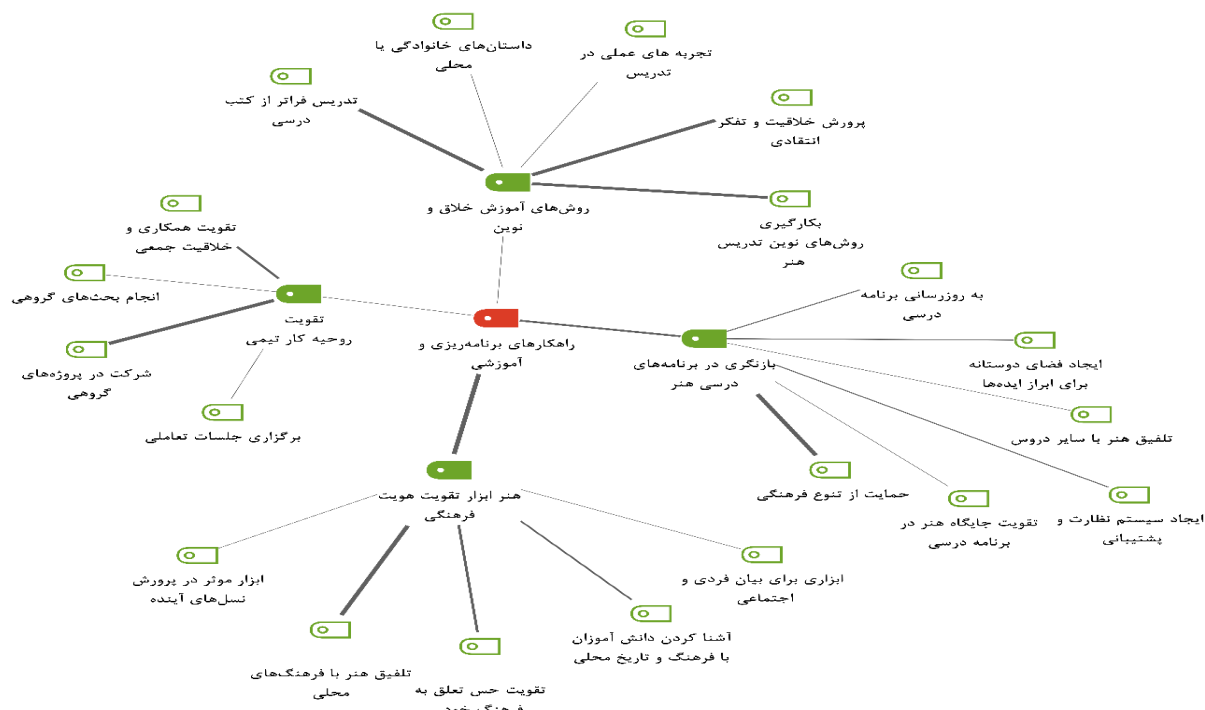
راهکار دوم: ایجاد شبکه معلمان برای اشتراک‌گذاری تجربیات ایجاد شبکه‌های معلمان به‌منظور اشتراک‌گذاری تجربیات یکی دیگر از راهکارهایی است که به بهبود تدریس کمک می‌کند. یکی از معلمان گفت: "یکی از راهکارهای مؤثر من، ایجاد شبکه‌ای از معلمان هنر در سراسر شهر است. این شبکه به ما این امکان را می‌دهد که از تجربیات یکدیگر بهره‌مند شویم و منابع آموزشی را به اشتراک بگذاریم." ایجاد چنین شبکه‌هایی می‌تواند به معلمان این فرصت را بدهد تا تجربیات و روش‌های موفق خود را به اشتراک بگذارند و از منابع و ایده‌های یکدیگر بهره‌مند شوند. این تبادل تجربیات باعث می‌شود که تدریس هنر در مدارس به‌ویژه در مناطقی که ممکن است امکانات کمتری داشته باشند، بهبود یابد.

راهکار سوم: مستندسازی تجربیات معلمان یکی از پیشنهادات مهم برای ارتقای تدریس هنر، مستندسازی تجربیات معلمان است. معلمان می‌توانند تجربیات خود را جمع‌آوری کنند و به‌عنوان مرجع برای بهبود تدریس هنر از آن‌ها استفاده کنند. یکی از معلمان در این زمینه توضیح داد: "برای ایجاد یک الگوی مؤثر در تدریس، به‌نظم می‌توان از تجارب معلمان دیگر استفاده کرد. اگر این تجربیات از طریق مصاحبه‌ها، گروه‌های مطالعاتی و به اشتراک‌گذاری داستان‌های موفقیت جمع‌آوری شود، می‌توانیم به تدریج روش‌های تدریس را بهبود بخشیم و هنر را در نظام آموزشی کشور بهتر جا بیاندازیم." مستندسازی تجربیات به معلمان کمک می‌کند تا بهترین روش‌ها و شیوه‌های تدریس را شناسایی کنند و آن‌ها را در کلاس‌های خود پیاده‌سازی کنند. همچنین این تجربیات می‌توانند به‌عنوان راهنمایی برای سایر معلمان مورد استفاده قرار گیرند.

در این بخش، راهکارهای مؤثری که می‌توانند در برون‌رفت از چالش‌های تدریس هنر کمک کنند، از طریق کدگذاری و تحلیل داده‌ها استخراج شدند. این راهکارها شامل افزایش انگیزه دانش‌آموزان از طریق پروژه‌ها، توسعه حرفه‌ای معلمان، ایجاد شبکه‌های معلمان برای اشتراک‌گذاری تجربیات، و مستندسازی تجربیات معلمان می‌شود. این راهکارها نه تنها می‌توانند کیفیت تدریس هنر را بهبود دهند بلکه به رشد خلاقیت، انگیزه و مهارت‌های هنری دانش‌آموزان کمک می‌کنند.

راهکارهای برنامه‌ریزی و آموزشی

این بخش به تحلیل راهکارهای مرتبط با برنامه‌ریزی و آموزشی در زمینه تدریس هنر اختصاص دارد. این راهکارها شامل بازنگری در برنامه‌های درسی، تقویت جایگاه هنر در برنامه درسی، و ایجاد سیستم‌های نظارت و پشتیبانی برای ارتقاء کیفیت تدریس هنر هستند. هر کدام از این راهکارها به‌طور مفصل در این بخش توضیح داده خواهد شد. شکل درختی این راهکارها در شکل ۹ نمایان است.



شکل ۹. شکل درختی راهکارهای برنامه‌ریزی و آموزشی

یکی از مهم‌ترین پیشنهادات برای بهبود وضعیت تدریس هنر، **بازنگری در برنامه‌های درسی هنر** است. بسیاری از دبیران هنر بر این باورند که هنر باید به‌عنوان یک بخش اصلی و نه جانبی در نظر گرفته شود. یکی از معلمان اظهار داشت: *"سیاست‌گذاران باید هنر را به‌عنوان یک بخش اصلی و نه جانبی در نظر بگیرند و فرصت‌های برابر را برای تمامی مدارس فراهم کنند تا دانش‌آموزان در همه نقاط کشور به یک آموزش هنری با کیفیت دست یابند."* این پیشنهاد بر ضرورت در نظر گرفتن هنر به‌عنوان یک رشته تحصیلی اصلی و افزایش توجه به آن در برنامه‌های درسی تأکید دارد. این تغییر در نگرش می‌تواند به دانش‌آموزان این امکان را بدهد که به‌طور جدی‌تری به هنر پرداخته و از مزایای آن بهره‌مند شوند. همچنین، این تغییر موجب ایجاد فرصت‌های برابر در سرتاسر کشور برای دریافت آموزش هنر با کیفیت بالا خواهد شد.

ایجاد سیستم نظارت و پشتیبانی: یکی دیگر از راهکارهای مؤثر، ایجاد سیستم نظارت و پشتیبانی برای معلمان هنر است. این سیستم می‌تواند به معلمان کمک کند که منابع، تجربیات و ایده‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. یکی از دبیران گفت: "برای بهبود وضعیت تدریس هنر در مدارس عراق، باید چند اقدام اساسی انجام شود. اولین پیشنهاد من، ایجاد سیستم نظارت و پشتیبانی برای معلمان هنر است تا آن‌ها بتوانند منابع، تجربیات و ایده‌های خود را به اشتراک بگذارند." این سیستم می‌تواند به معلمان این امکان را بدهد که از تجربیات یکدیگر بهره‌مند شوند و در نتیجه روش‌های تدریس خود را بهبود بخشند. اشتراک‌گذاری تجربیات موفق و ایجاد فضایی برای تبادل ایده‌ها می‌تواند باعث ارتقای کیفیت تدریس هنر در مدارس شود.

گنجاندن هنر به عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزشیابی مدارس: این پیشنهاد شامل گنجاندن هنر به عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزشیابی مدارس است. بسیاری از معلمان بر این باورند که برای ارتقاء کیفیت تدریس هنر، باید ارزشیابی‌هایی صورت گیرد که هنر را در کنار دیگر دروس به عنوان یک بخش اساسی و کلیدی ارزیابی کنند. این رویکرد می‌تواند انگیزه معلمان و دانش‌آموزان را برای ارتقاء سطح آموزش هنر افزایش دهد.

ایجاد فضای دوستانه برای ابراز ایده‌ها: ایجاد فضای دوستانه و حمایتی یکی دیگر از راهکارهایی است که در ارتقاء کیفیت تدریس هنر مؤثر است. معلمان معتقدند که ایجاد فضایی که دانش‌آموزان بدون ترس از انتقاد بتوانند ایده‌ها و خلاقیت‌های خود را بیان کنند، باعث افزایش مشارکت و خلاقیت آن‌ها می‌شود. یکی از معلمان بیان کرد: "من

فضایی دوستانه و حمایتی ایجاد کرده بودم که به دانش‌آموزان این امکان را می‌داد تا بدون ترس از انتقاد، ایده‌ها و خلاقیت‌های خود را بیان کنند." این رویکرد نه تنها موجب رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود بلکه به آن‌ها اعتماد به نفس می‌دهد تا بدون نگرانی از بازخورد منفی، آثار هنری خود را ارائه دهند.

به روزرسانی برنامه درسی: به‌روزرسانی برنامه‌های درسی هنر، به‌ویژه با تأکید بر هنر معاصر و ارتباط آن با زندگی روزمره، یکی دیگر از راهکارهای مؤثر است. معلمان اظهار داشتند: "باید برنامه‌های درسی هنر را به‌روزرسانی کرد تا با نیازهای روز دانش‌آموزان همخوانی داشته باشد و هنرهای محلی و معاصر در آن گنجانده شود." این به‌روزرسانی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا به‌روزترین تکنیک‌ها و گرایش‌های هنری را یاد بگیرند و ارتباط بیشتری با دنیای معاصر پیدا کنند. هم‌چنین این به‌روزرسانی به معلمان این امکان را می‌دهد که محتوای آموزشی خود را با تحولات روز دنیای هنر هماهنگ کنند.

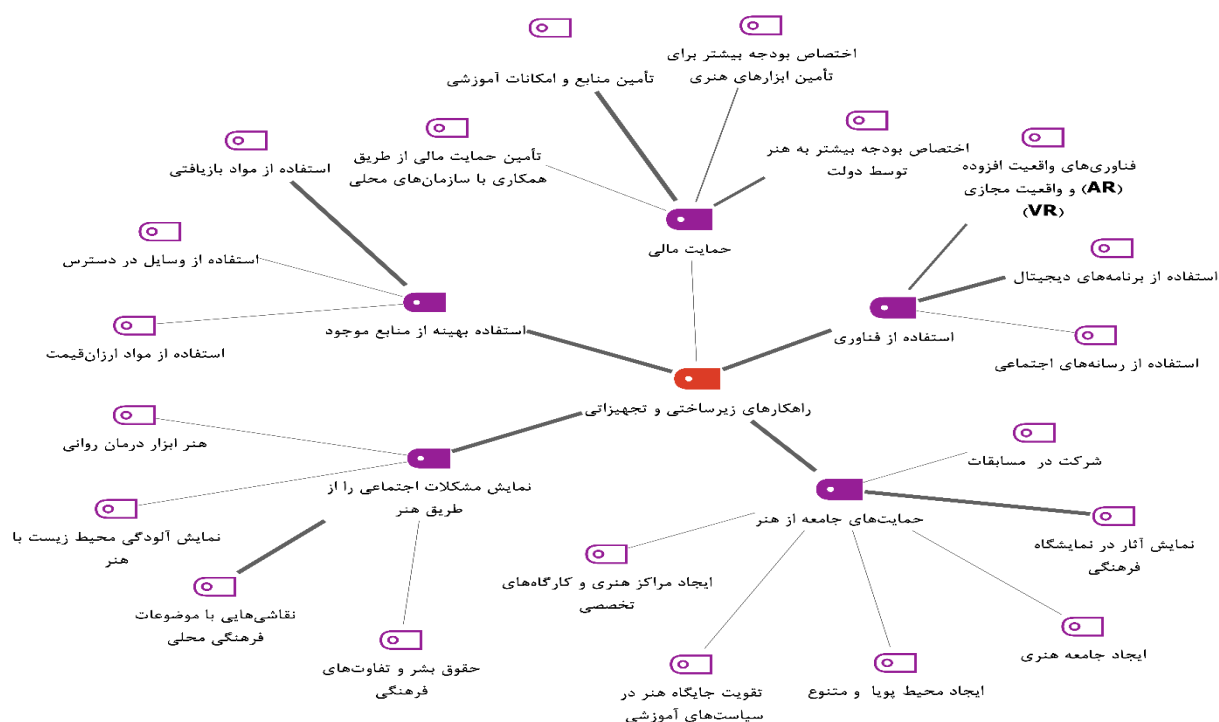
تقویت جایگاه هنر در برنامه درسی: تقویت جایگاه هنر در برنامه‌های درسی می‌تواند به گنجاندن هنر به‌عنوان یک بخش اصلی در آموزش کمک کند. یکی از معلمان اشاره کرد: "برای اینکه نشان دهم هنر در زندگی روزمره و دیگر حوزه‌های علمی هم نقش دارد، تلفیق هنر با سایر دروس را در برنامه‌هایم قرار داده‌ام." این تلفیق می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند که هنر را نه تنها به‌عنوان یک رشته مستقل بلکه به‌عنوان ابزاری برای درک بهتر دیگر مفاهیم علمی مانند ریاضی یا تاریخ بیابند.

حمایت از تنوع فرهنگی: حمایت از تنوع فرهنگی به‌ویژه در کشورهایی با جمعیت‌های چندفرهنگی مانند عراق، برای بهبود تدریس هنر ضروری است. یکی از معلمان توضیح داد: "من به تنوع فرهنگی احترام گذاشتم و دانش‌آموزان را تشویق کردم که به‌طور آزادانه فرهنگ خود را در آثار هنری‌شان نشان دهند." این روش نه تنها موجب تقویت هویت فرهنگی دانش‌آموزان می‌شود بلکه به آن‌ها کمک می‌کند که هنر را به‌عنوان ابزاری برای بیان خود و احترام به دیگر فرهنگ‌ها ببینند. این امر موجب تقویت اعتماد به نفس و تعلق فرهنگی در دانش‌آموزان می‌شود.

در این بخش، راهکارهای مختلفی برای بهبود وضعیت تدریس هنر و ارتقای کیفیت برنامه‌های درسی هنر معرفی شدند. این راهکارها شامل بازنگری در برنامه‌های درسی، به‌روزرسانی محتوای آموزشی، تقویت جایگاه هنر در برنامه درسی، ایجاد فضای حمایتی برای ابراز خلاقیت دانش‌آموزان، و حمایت از تنوع فرهنگی هستند. این راهکارها می‌توانند به افزایش انگیزه دانش‌آموزان، ارتقاء کیفیت تدریس معلمان، و بهبود وضعیت کلی تدریس هنر در مدارس عراق کمک کنند.

راهکارهای زیرساختی و تجهیزاتی

در این بخش، به بررسی راهکارهای مرتبط با زیرساخت‌ها و تجهیزات برای بهبود تدریس هنر پرداخته می‌شود. این راهکارها شامل استفاده از فناوری، استفاده بهینه از منابع موجود، تأمین حمایت مالی، و استفاده از ابزارهای خلاقانه و متنوع در تدریس هنر هستند. راهکارهای مذکور به‌ویژه در شرایط محدودیت‌های فیزیکی و مالی می‌توانند به‌طور مؤثری به ارتقاء کیفیت آموزش هنر کمک کنند. دسته‌بندی این راهکارها در شکل درختی ۱۰ آمده است.



شکل ۱۰. شکل درختی راهکارهای زیرساختی و تجهیزاتی

استفاده از فناوری: یکی از مهم‌ترین راهکارها برای غلبه بر چالش‌های محدودیت‌های فیزیکی و بودجه‌ای در تدریس هنر است. معلمان به‌طور گسترده از فناوری برای بهبود تدریس و ارتقاء کیفیت آموزش هنر استفاده می‌کنند. یکی از معلمان اظهار داشت: "با استفاده از نرم‌افزارهای هنری و برنامه‌های دیجیتال، توانسته‌ام که این محدودیت‌ها را کاهش دهم و به دانش‌آموزان امکانات جدیدی برای خلق آثار هنری بدهیم." این روش به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که حتی در شرایط کمبود منابع فیزیکی، تجربه‌های هنری جدید و متنوعی کسب کنند. همچنین، با استفاده از تلفن‌های هوشمند و لپ‌تاپ‌ها، معلمان توانسته‌اند از ابزارهای دیجیتال برای آموزش هنر بهره‌برداری کنند و پروژه‌های خلاقانه‌ای را به دانش‌آموزان معرفی کنند. در نهایت، این ابزارها به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند که تجربه‌ای جدید و متفاوت از هنر داشته باشند، حتی در شرایط محدودیت‌های فیزیکی.

استفاده بهینه از منابع موجود: برای مقابله با چالش‌های مرتبط با محدودیت‌های منابع، استفاده بهینه از منابع موجود یکی از راهکارهای اساسی است. یکی از معلمان به‌طور خاص در این زمینه اظهار داشت: "به جای استفاده از رنگ‌های گران‌قیمت، گاهی از مواد بازیافتی و غیرمرسوم استفاده می‌کنم. این کار علاوه بر کاهش هزینه‌ها، به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که بفهمند هنر به چیزی فراتر از ابزارهای گران‌قیمت نیاز دارد." این رویکرد نشان می‌دهد که معلمان توانسته‌اند با استفاده از مواد ارزان‌قیمت و حتی دورریختنی مانند کاغذ، پلاستیک و چوب، پروژه‌های هنری مفیدی را اجرا کنند. علاوه بر کاهش هزینه‌ها، این روش به دانش‌آموزان یاد می‌دهد که هنر چیزی فراتر از ابزارهای گران‌قیمت است و آن‌ها می‌توانند از مواد ساده و در دسترس برای خلق آثار هنری استفاده کنند.

تأمین حمایت مالی: تأمین حمایت مالی یکی دیگر از چالش‌های اصلی در تدریس هنر است. برای غلبه بر این مشکل، معلمان بر لزوم اختصاص بودجه بیشتر به هنر تأکید دارند. یکی از دبیران بیان کرد: "دولت باید بخشی از بودجه آموزشی را به خرید ابزار و کتاب‌های هنری اختصاص دهد. با بودجه کافی می‌توان امکانات بهتری برای تدریس هنر فراهم کرد که تأثیر مثبتی بر کیفیت تدریس خواهد داشت." تخصیص بودجه کافی برای تأمین تجهیزات هنری می‌تواند به معلمان کمک کند تا در تدریس خود از ابزارهای به‌روز استفاده کنند و پروژه‌های هنری بهتری را برای دانش‌آموزان طراحی کنند. همچنین، تأمین منابع آموزشی می‌تواند به ایجاد محیطی مناسب برای پرورش استعدادها و هنری دانش‌آموزان منجر شود.

ایجاد جامعه هنری و نمایشگاه‌های هنری: یکی دیگر از راهکارهای مؤثر، ایجاد جامعه هنری در مدارس است. این رویکرد باعث می‌شود که دانش‌آموزان با هم به‌طور گروهی به خلق آثار هنری پرداخته و در نمایشگاه‌های هنری آثار خود را به نمایش بگذارند. یکی از معلمان اظهار داشت: "یکی از اصلی‌ترین استراتژی‌های من، ایجاد جامعه هنری در مدرسه است. برای این منظور، دانش‌آموزان را به شرکت در نمایشگاه‌های هنری، مسابقات و پروژه‌های گروهی تشویق کرده‌ام." این فعالیت‌ها نه تنها باعث تقویت مهارت‌های هنری دانش‌آموزان می‌شود، بلکه موجب ایجاد حس تعلق و همکاری میان آنان می‌شود. برگزاری نمایشگاه‌های هنری در مدرسه و جامعه به‌ویژه می‌تواند به دانش‌آموزان انگیزه بیشتری برای ادامه فعالیت‌های هنری بدهد و هنر را به بخشی از زندگی روزمره تبدیل کند.

استفاده از تکنولوژی‌های نوین: در نهایت، استفاده از فناوری‌های نوین مانند AR و VR نیز می‌تواند تجربه‌های یادگیری هنر را متحول کند و فضای جدیدی برای تدریس هنر فراهم آورد. یکی از معلمان اظهار کرد: "استفاده از فناوری‌های واقعیت افزوده (AR) و واقعیت مجازی (VR) می‌تواند تجربه‌های یادگیری هنر را متحول کند و فضای جدیدی برای تدریس هنر فراهم کند." این تکنولوژی‌ها می‌توانند به دانش‌آموزان این امکان را بدهند که با استفاده از ابزارهای دیجیتال، تجربه‌های هنری تعاملی و جذاب‌تری داشته باشند. همچنین، با استفاده از این فناوری‌ها، معلمان می‌توانند پروژه‌های هنری و تجربیاتی را که به‌طور سنتی دشوار بودند، برای دانش‌آموزان فراهم کنند. در این بخش، راهکارهای مختلفی برای بهبود تدریس هنر از طریق استفاده از زیرساخت‌ها و تجهیزات معرفی شد. استفاده از فناوری‌های نوین، بهینه‌سازی منابع موجود، ایجاد فضای حمایتی برای معلمان و دانش‌آموزان، و تأمین حمایت مالی از جمله مهم‌ترین این راهکارها هستند. این اقدامات می‌توانند به معلمان کمک کنند که در شرایط محدودیت‌های فیزیکی و بودجه‌ای، بهترین نتایج را از تدریس هنر به‌دست آورند و فرصتی برای ارتقای کیفیت آموزشی در این حوزه فراهم کنند. در جدول ۲ کدهای اصلی، کدهای فرعی و کدهای باز به همراه واحدهای معنایی مربوطه که از مصاحبه با دبیران استخراج شده‌اند را نمایش می‌دهد.

جدول ۲. کدهای باز، فرعی و اصلی راهکارها

کد اصلی	کد فرعی	کد باز و واحدهای معنایی
راهکارهای مرتبط با معلمان و دانش‌آموزان	راهکارهای مرتبط با دانش‌آموزان	افزایش انگیزه دانش‌آموزان از طریق پروژه برگزاری نمایشگاه دانش‌آموزی
		تناسب بین روش آموزش با نیاز دانش‌آموزان
		توجه به سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان
		مدیریت چالش‌های زندگی با آموزش هنر
	راهکارهای مرتبط با معلمان	توسعه حرفه‌ای معلمان
		ایجاد سفرهای آموزشی برای معلمان
		ایجاد شبکه معلمان برای اشتراک‌گذاری تجربیات
		تشکیل گروه‌های تخصصی و برگزاری نشست‌های منظم
		مستند سازی تجربیات موفق معلمان
		همکاری تیمی معلمان هنر
راهکارهای برنامه‌ریزی و آموزشی	بازنگری در برنامه‌های درسی هنر	بازنگری در برنامه‌های درسی هنر
		ایجاد سیستم نظارت و پشتیبانی
		ایجاد فضای دوستانه برای ابراز ایده‌ها
		به روزرسانی برنامه درسی
		تقویت جایگاه هنر در برنامه درسی
		حمایت از تنوع فرهنگی
	تقویت روحیه کار تیمی	انجام بحث‌های گروهی
		برگزاری جلسات تعاملی
		تقویت همکاری و خلاقیت جمعی

شرکت در پروژه‌های گروهی	روش‌های آموزش خلاق و نوین	
بکارگیری روش‌های نوین تدریس هنر		
پرورش خلاقیت و تفکر انتقادی		
تجربه‌های عملی در تدریس		
تدریس فراتر از کتب درسی		
داستان‌های خانوادگی یا محلی		
هنر ابزار تقویت هویت فرهنگی:	هنر ابزار تقویت هویت فرهنگی	
تقویت حس تعلق به فرهنگ خود		
تلفیق هنر با فرهنگ‌های محلی		
ابزار موثر در پرورش نسل‌های آینده		
ابزاری برای بیان فردی و اجتماعی		
آشنا کردن دانش آموزان با فرهنگ و تاریخ محلی		
استفاده از فناوری	استفاده از فناوری	راهکارهای زیرساختی و تجهیزاتی
استفاده از برنامه‌های دیجیتال		
استفاده از تلفن‌های هوشمند و لپ‌تاپ‌ها		
استفاده از رسانه‌های اجتماعی		
فناوری‌های واقعیت افزوده (AR) و واقعیت مجازی (VR)		
استفاده بهینه از منابع موجود	استفاده بهینه از منابع موجود	
استفاده از مواد ارزان‌قیمت		
استفاده از مواد بازیافتی		
استفاده از وسایل در دسترس		
تأمین منابع و امکانات آموزشی	حمایت مالی	
اختصاص بودجه بیشتر برای تأمین ابزارهای هنری		
اختصاص بودجه بیشتر به هنر توسط دولت		
تأمین حمایت مالی از طریق همکاری با سازمان‌های محلی		
	حمایت‌های جامعه از هنر	
ایجاد جامعه هنری		
ایجاد محیط پویا و متنوع		
ایجاد مراکز هنری و کارگاه‌های تخصصی		
تقویت جایگاه هنر در سیاست‌های آموزشی		
شرکت در مسابقات		
نمایش آثار در نمایشگاه فرهنگی		
نمایش مشکلات اجتماعی را از طریق هنر	نمایش مشکلات اجتماعی را از طریق هنر	
حقوق بشر و تفاوت‌های فرهنگی		
نقاشی‌هایی با موضوعات فرهنگی محلی		
نمایش آلودگی محیط زیست با هنر:		
هنر ابزار درمان روانی		

الگوی برون‌رفت از چالش‌های آموزش هنر در دبیرستان‌های عراق، یک چارچوب چندبعدی و جامع است که بر اساس تجارب زیسته معلمان هنر تدوین شده و به‌منظور شناسایی چالش‌های اساسی و ارائه راهکارهای عملی و بومی برای بهبود وضعیت آموزش هنر طراحی شده است. در این الگو، ابعاد مختلفی از چالش‌ها و راهکارها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این الگو، به‌دلیل برخورداری از رویکردی چندبعدی و جامع، تمامی جنبه‌های مؤثر بر آموزش هنر را پوشش می‌دهد. از یک‌سو به تحلیل دقیق مشکلات پرداخته و از سوی دیگر راه‌حل‌های عملی و کاربردی برای رفع این چالش‌ها ارائه می‌دهد. با این الگو، امکان ایجاد تحول در نظام آموزشی هنر و تقویت مهارت‌ها و خلاقیت‌های هنری دانش‌آموزان و معلمان فراهم می‌شود. این چارچوب به‌ویژه بر بومی‌سازی آموزش هنر متناسب با فرهنگ و شرایط اجتماعی عراق تأکید دارد.

سه بعد اصلی چالش‌ها و راهکارهای برون‌رفت از چالش‌ها در این الگو عبارتند از:

۱. بعد چالش‌های مرتبط با برنامه‌ریزی آموزشی:

- **چالش‌ها:** در این بعد، مسائلی همچون عدم تطابق محتوای آموزشی هنر با نیازهای فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، ضعف در طراحی برنامه‌های عملی و کاربردی، و نبود رویکردهای نوین و خلاقانه در آموزش هنر به چشم می‌خورد. این مشکلات منجر به کاهش انگیزه معلمان و دانش‌آموزان و محدودیت در یادگیری موثر شده است.

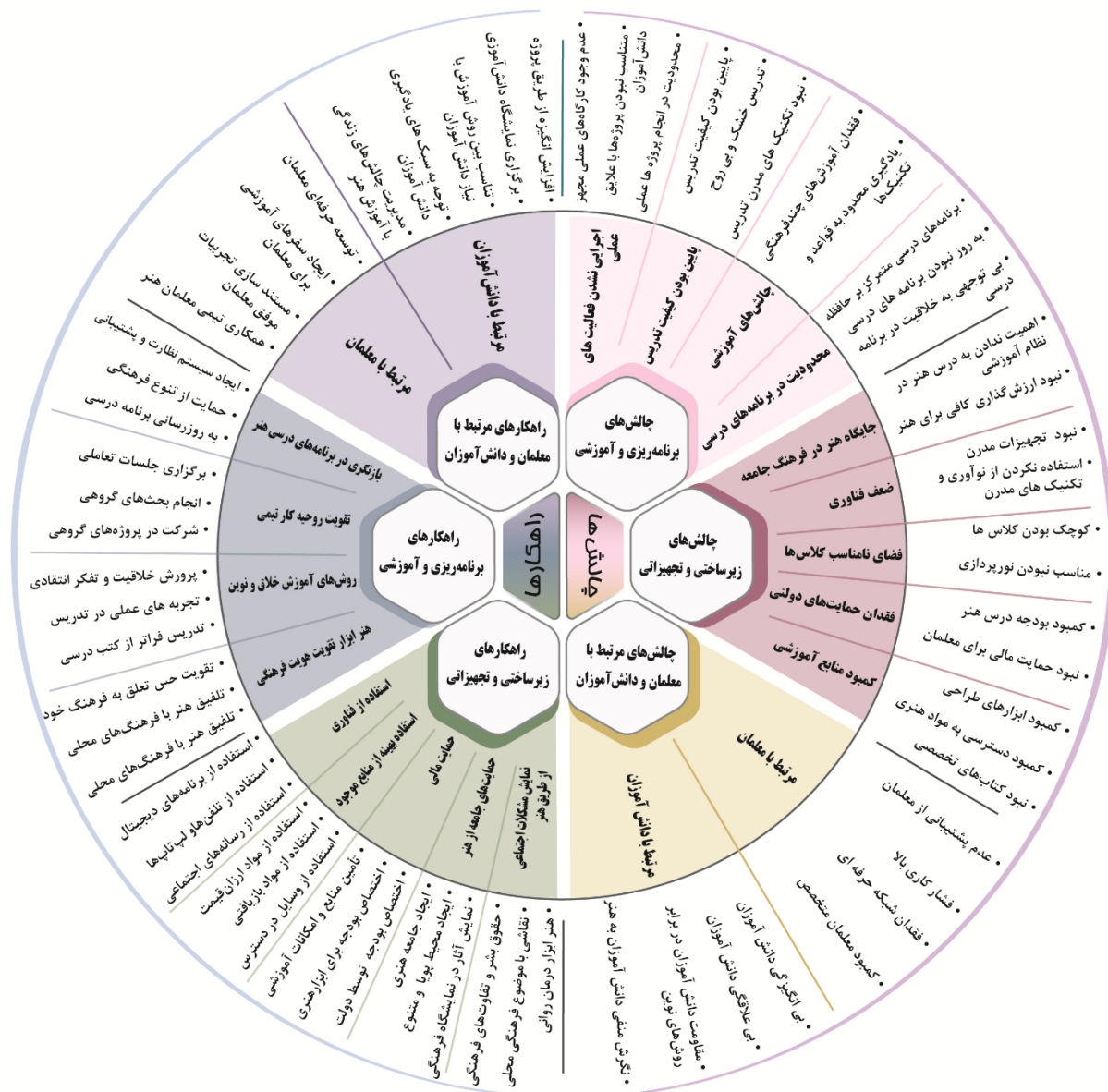
- **راهکارها:** اصلاح برنامه‌های درسی با تأکید بر نیازهای بومی و فرهنگی عراق، ایجاد تعادل بین نظریه و عمل، و گنجاندن پروژه‌های خلاقانه و عملی در برنامه‌های آموزشی از جمله راهکارهای ارائه‌شده در این بعد است.

۲. بعد چالش‌های زیرساختی و تجهیزاتی:

- **چالش‌ها:** کمبود امکانات فیزیکی مانند کارگاه‌های هنری، ابزارهای آموزشی مناسب، و فضای کافی برای فعالیت‌های هنری از مشکلات مهم در این حوزه است. این کمبودها، فرآیند آموزش هنر را محدود کرده و بهره‌وری معلمان و دانش‌آموزان را کاهش داده است.
- **راهکارها:** تأمین و تجهیز مدارس به ابزارها و کارگاه‌های هنری استاندارد، استفاده از فناوری‌های نوین (مانند ابزارهای دیجیتال و نرم‌افزارهای طراحی)، و ایجاد محیط‌های فیزیکی مناسب برای برگزاری کلاس‌های هنری از جمله راه‌حل‌های این بعد محسوب می‌شوند.

۳. بعد چالش‌های مربوط به معلمان و دانش‌آموزان:

- **چالش‌ها:** ضعف مهارت‌های حرفه‌ای معلمان هنر به دلیل کمبود دوره‌های آموزشی و حمایت‌های لازم، عدم انگیزه کافی در دانش‌آموزان برای مشارکت در فعالیت‌های هنری، و نبود ابزارهای مناسب برای ارزیابی پیشرفت هنری از جمله مشکلاتی است که در این بعد برجسته است.
- **راهکارها:** برگزاری دوره‌های آموزشی و توانمندسازی معلمان، اجرای برنامه‌های تشویقی برای دانش‌آموزان، و طراحی ابزارهای خلاقانه برای ارزیابی عملکرد هنری از جمله اقدامات پیشنهادی برای رفع این چالش‌ها هستند.



شکل ۱۱. الگوی برون رفت از چالش‌های آموزش هنر مبتنی بر تجارب زیسته معلمان هنر دبیرستان‌های کشور عراق

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای مصاحبه‌های عمیق، به شناسایی چالش‌ها و تدوین الگوی مفهومی برای برون‌رفت از مشکلات تدریس هنر در دبیرستان‌های عراق پرداخته است. نتایج به‌روشنی نشان می‌دهند که چالش‌های آموزش هنر صرفاً محدود به کمبود منابع فیزیکی یا ابزارهای آموزشی نیست، بلکه ریشه در ساختارهای ناکارآمد برنامه‌ریزی، ضعف‌های زیرساختی، و نارسایی‌های مهارتی و انگیزشی در سطح معلمان و دانش‌آموزان دارد. این چالش‌ها از منظر نظری، بازتابی از نادیده‌انگاشتن عناصر زیبایی‌شناختی، بومی و فرهنگی در برنامه‌های درسی هنر هستند؛ عناصری که بر اساس یافته‌های رساله، نقش بنیادینی در تقویت تعلق فرهنگی و پرورش خلاقیت ایفا می‌کنند (Zahiri et al., 2022).

بر این اساس، سه بعد اصلی الگوی استخراج شده شامل برنامه‌ریزی آموزشی، زیرساخت و تجهیزات، و وضعیت معلمان و دانش‌آموزان است که هر یک، منظومه‌ای از چالش‌ها و راهکارها را در بر می‌گیرند. در بعد برنامه‌ریزی، مهم‌ترین مسئله، نبود انسجام در برنامه‌های درسی و غفلت از جنبه‌های بومی و فرهنگی در آموزش هنر است. بسیاری از معلمان در مصاحبه‌ها اشاره کرده‌اند که محتوای دروس هنر فاقد پیوستگی با فرهنگ بومی دانش‌آموزان است و نمی‌تواند الهام‌بخش خلاقیت آن‌ها باشد. این یافته با مطالعاتی چون العامری (۲۰۱۶) و علی (۲۰۱۸) همخوان است که بر اهمیت بازاندیشی در برنامه‌های درسی هنر با تأکید بر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تأکید دارند (Ali, 2018; Al-Amiri, 2016). در این راستا، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های درسی هنر با رویکردهای تلفیقی و میان‌رشته‌ای بازطراحی شوند، به گونه‌ای که بتوانند زمینه بروز تفکر خلاق، هویت‌یابی فرهنگی، و پرورش ذوق هنری را فراهم کنند (Amini & Laghab Dost Arani, 2021).

در بعد زیرساختی، فقدان فضای مناسب برای آموزش عملی، کمبود ابزارهای طراحی و مواد هنری، و نبود فناوری‌های نوین از جمله چالش‌های مهمی است که به‌طور گسترده در مصاحبه‌ها مطرح شده‌اند. معلمان بارها به این نکته اشاره کرده‌اند که «نبود کارگاه‌های مجهز» و «فقدان نورپردازی مناسب در کلاس‌ها» مانع از اجرای مؤثر آموزش‌های هنری می‌شود. این یافته با تحلیل‌های داداشی، سبزه و بازگیر (۱۴۰۱) درباره وضعیت آموزش مجازی هنر و نابرابری در دسترسی به منابع آموزشی هم‌راستاست (Dadashi et al., 2022). در این زمینه، راهکارهایی چون تأمین تجهیزات دیجیتال، ایجاد کارگاه‌های مشارکتی در سطح منطقه‌ای، و بهره‌گیری از نرم‌افزارهای طراحی و فناوری‌های نوظهور مانند واقعیت افزوده و واقعیت مجازی می‌تواند مؤثر باشد.

بعد سوم، به وضعیت انسانی آموزش هنر بازمی‌گردد؛ جایی که ضعف توسعه حرفه‌ای معلمان، بی‌انگیزگی دانش‌آموزان، و نگرش منفی عمومی نسبت به درس هنر، در کانون چالش‌ها قرار دارد. معلمان در مصاحبه‌ها به‌صراحت اظهار داشتند که «فاقد فرصت‌های توسعه حرفه‌ای هستند» و «در مدارس هنر به‌عنوان یک درس بی‌اهمیت تلقی می‌شود». این وضعیت نه‌تنها کیفیت تدریس را کاهش می‌دهد، بلکه مانع از به‌کارگیری روش‌های نوین و پروژه‌محور در کلاس‌های هنر می‌شود (Asvad & Eslami, 2021). لذا، تقویت انگیزه معلمان از طریق حمایت‌های مالی، برگزاری دوره‌های توانمندسازی مستمر، و ایجاد شبکه‌های حرفه‌ای برای تبادل تجربه، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء کیفیت تدریس باشد. همچنین، گنجاندن جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و پروژه‌های جمعی در برنامه مدارس، موجب مشارکت بیشتر دانش‌آموزان و ارتقاء جایگاه اجتماعی درس هنر خواهد شد (Zarei & Dehghani, 2020).

از منظر نظری، این پژوهش بر اهمیت تلفیق رویکردهای زیبایی‌شناسانه، بومی‌محور، و یادگیری خلاقانه تأکید دارد. هنر، همان‌گونه که در نظریه آیزنر (۲۰۰۲) مطرح شده است، فراتر از انتقال مهارت است و باید به‌مثابه بستری برای پرورش خلاقیت، اندیشه‌ورزی، و تجربه فرهنگی تلقی شود. یافته‌های پژوهش نیز نشان می‌دهند که هر جا آموزش هنر با زندگی واقعی، فرهنگ محلی و ابعاد زیبایی‌شناسی تلفیق شده، اثربخشی بیشتری در یادگیری دانش‌آموزان به همراه داشته است. بنابراین، الگوی برون‌رفت ارائه‌شده در این پژوهش، از رویکردهای صرفاً فنی فاصله گرفته و به یک رویکرد تربیتی-فرهنگی نزدیک شده است. در ادامه مسیر این پژوهش، تحقیقات آینده می‌توانند بر حوزه‌های زیر تمرکز کنند:

۱. **ارزیابی تجربی اثربخشی راهکارهای ارائه‌شده** در مدارس منتخب، به‌ویژه در قالب مطالعات مداخله‌ای یا طراحی اقدام‌پژوهی.
 ۲. **مطالعه تأثیر آموزش هنر بر مؤلفه‌های روان‌شناختی** مانند خودکارآمدی، مشارکت اجتماعی، و تاب‌آوری دانش‌آموزان در بسترهای پسابحرانی مانند عراق.
 ۳. **تحلیل تطبیقی سیاست‌های آموزش هنر** در کشورهای با شرایط مشابه (مثلاً ایران، سوریه یا لبنان) برای استخراج الگوهای موفق بومی‌سازی‌شده.
 ۴. **بررسی نقش والدین و جامعه محلی در حمایت از آموزش هنر** با هدف ارتقاء نگرش عمومی و تقویت پیوند مدرسه و جامعه در حوزه هنر.
- در نهایت، باید تأکید کرد که آموزش هنر در دبیرستان‌های عراق نیازمند بازنگری ساختاری، بازسازی نگرشی و سرمایه‌گذاری چندسطحی است؛ امری که بدون اراده جمعی نهادهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی ممکن نخواهد بود. پژوهش حاضر گامی در جهت تبیین ابعاد این ضرورت و طراحی مسیر تحول‌آفرین برای هنر در نظام آموزشی عراق به‌شمار می‌آید.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

Art education is widely acknowledged as a foundational element in the holistic development of students across educational systems, enabling cognitive, emotional, and creative growth that contributes to the shaping of a well-rounded individual. Contemporary educational philosophies emphasize the importance of nurturing various human capacities—including artistic expression—as central to the mission of education (Shariati et al., 2024; Thakur et al., 2024; Toto et al., 2024; Zhang et al., 2024). Art is seen not only as a cultural output but as a critical medium through which imagination, identity, and emotional intelligence are cultivated, particularly among adolescents (Ebrahimi Nia et al., 2020; Zahiri et al., 2022). Prominent scholars such as Eisner (2000) have long advocated for integrating art as a core educational competency—equal in significance to reading, writing, and arithmetic—emphasizing the skills of artistic production, critique, history, and aesthetics that promote deeper forms of thinking (Amini & Laghab Dost Arani, 2021).

Beyond individual development, art functions as a conduit for human connection, fostering empathy and shared cultural understanding. This aligns with the philosophical insights of figures such as Tolstoy and Mendelssohn, who viewed art as a transmission of emotional experience and a vehicle for elevating human perception (Amini, 2017; Amini & Laghab Dost Arani, 2021). Moreover, art encourages divergent thinking by demonstrating that problems may have multiple solutions, thereby positioning itself as essential to creativity and innovation in learning (Ghajar, 2015). In this context, it becomes imperative for



education systems to institutionalize artistic training, ensuring access to relevant tools, spaces, and pedagogical frameworks that align with students' cultural backgrounds and emotional needs (Al-Jazaer, 2023).

However, despite these benefits, the status of art education in Iraq reveals significant neglect and marginalization, manifesting as curricular underrepresentation and systemic indifference. Empirical findings point to chronic deficiencies in resources, outdated syllabi, and a lack of teacher development structures, which together erode the efficacy of art education in Iraqi high schools (Al-Jazaer, 2023). Comparative research supports these concerns, highlighting how art education in other developing contexts faces similar hurdles—such as inadequate teacher training, cultural resistance, and lack of funding (Al-Amiri, 2016; Al-Jassar, 2021; Ali, 2018; Ardipal, 2017; Bowen & Kisida, 2023). Studies from Iran also show the transformative potential of aesthetically grounded, student-centered curricula (Dadashi et al., 2022; Zahiri et al., 2022).

Against this backdrop, this study aims to explore the lived experiences of high school art teachers in Iraq to identify key instructional, infrastructural, and pedagogical challenges and to develop a multidimensional exit model for improving art education. By foregrounding the voices of practitioners, this research seeks to illuminate systemic gaps and generate actionable strategies for reform.

Methods and Materials

This qualitative study employed a phenomenological design to explore the lived experiences of 20 high school art teachers across various cities in Iraq. Participants were selected through purposive sampling, ensuring representation of diverse educational backgrounds, geographic regions, and professional experiences. Inclusion criteria required a minimum of five years of teaching experience in art, current employment in the Iraqi formal education system, and voluntary participation in interviews.

Data were collected through in-depth semi-structured interviews, guided by open-ended questions and adapted flexibly based on participants' responses. Each interview lasted between 40 and 65 minutes. All interviews were recorded with consent, transcribed verbatim, and analyzed using Colaizzi's three-step coding method: open, axial, and selective coding. Initial codes were extracted from meaning units in the text, grouped into thematic clusters, and eventually categorized into major themes representing shared experiences. Triangulation, participant validation, and inter-rater reliability checks were employed to ensure rigor.

Findings

Thematic analysis revealed three primary categories of challenges in Iraqi high school art education. The first, *Planning and Instructional Challenges*, encompassed the absence of practical activities, outdated curricula, and uninspired teaching methods. Teachers frequently cited the lack of hands-on workshops and creative freedom as detrimental to student engagement. Moreover, an overemphasis on rote memorization and traditional teaching styles stifled innovation and artistic exploration.

The second major theme, *Infrastructural and Equipment-related Challenges*, included inadequate physical spaces, lack of essential art supplies (e.g., paints, digital devices, and canvases), and minimal incorporation of technology. Teachers lamented the poor conditions of classrooms—often too small or poorly lit—which prevented effective instruction and discouraged student participation. Additionally, the general devaluation of art within the educational hierarchy led to insufficient budgeting and institutional support.

The third theme, *Teacher and Student-Related Challenges*, captured issues such as teacher burnout, lack of professional development opportunities, and widespread student disinterest. Many teachers lacked formal training in art instruction or access to workshops that could update their pedagogical skills. Simultaneously, students exhibited apathy or negative attitudes toward



art, often influenced by broader societal narratives that diminish its relevance. This resistance was especially pronounced in rural areas where art is culturally undervalued.

Collectively, these findings portray a fractured ecosystem of art education in Iraq, hindered by structural, curricular, and human resource deficiencies.

Discussion and Conclusion

The findings of this study paint a stark picture of the systemic impediments facing art education in Iraqi high schools. Planning and instructional deficits—particularly the absence of practical learning activities—have resulted in disengagement and underdeveloped artistic competencies. These issues are exacerbated by a failure to align curricula with contemporary artistic practices or student interests, effectively rendering the art classroom irrelevant in students' academic journeys.

Infrastructural shortcomings further compound these problems. The absence of dedicated spaces for art instruction, insufficient access to modern teaching tools, and minimal technological integration create an environment in which even the most skilled educators are limited in what they can deliver. These material deficiencies not only inhibit student creativity but also send a symbolic message about the marginal status of art within Iraq's educational priorities.

Equally concerning are the professional and motivational challenges reported by both teachers and students. Without access to ongoing training or collaborative networks, teachers are isolated and under-resourced. The resulting stagnation in teaching practices diminishes the likelihood of pedagogical innovation and contributes to students' disaffection. Student apathy, in turn, becomes a self-perpetuating cycle: disengaged learners reinforce the perception that art is a peripheral subject, which then justifies further resource deprivation.

To break this cycle, a comprehensive exit model must be implemented. Such a model should involve curriculum reform that emphasizes creativity and critical thinking, infrastructural investment to modernize classrooms and provide essential materials, and institutional support mechanisms to bolster teacher development. Additionally, initiatives that celebrate student artwork—such as exhibitions and competitions—can elevate the perceived value of art and foster a culture of appreciation.

In conclusion, revitalizing art education in Iraq requires systemic reform grounded in the lived experiences of educators. This study not only reveals the multidimensional nature of the challenges but also offers a roadmap for addressing them. By investing in both the structural and human dimensions of art education, Iraqi schools can reclaim the transformative potential of the arts and empower a new generation of creative thinkers.

References

- Al-Amiri, M. H. (2016). *Contemporary trends in art education*. https://www.researchgate.net/publication/311714024_alatjahat_almasrt_fy_altrbyt_alfnyt_Contemporary_Trends_in_Art_Education
- Al-Jassar, A. T. J. (2021). The role of contemporary concepts in art education. *Journal of Arts and Humanities*, 7, 1-20. https://majs.journals.ekb.eg/article_177050_ee27d15d401b38049c260560d0e53722.pdf
- Al-Jazaer, M. K. (2023). Traditions in the system of art education in Iraq. *Siberian Pedagogical Journal*. <https://doi.org/10.15293/1813-4718.2303.04>
- Ali, M. F. (2018). Challenges faced by secondary teachers in teaching arts education in Fiji - A case study of Western Division. *IRA International Journal of Education and Multidisciplinary Studies*, 10(3), 48-60. <https://doi.org/10.21013/jems.v10.n3.p4>
- Amini, M. (2017). A review of the book "Art Curriculum and Education in Schools". *Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs, Institute for Humanities and Cultural Studies*, 7(6), 21-40. <https://en.civilica.com/doc/1331290/>
- Amini, M., & Laghab Dost Arani, M. (2021). Representation of teachers' lived experiences of functions, implementation methods and challenges of art education in primary schools. *Teaching Research*, 9(4), 1-29. https://trj.uok.ac.ir/article_62167.html



- Ardipal. (2017). Art education and its problems in global context. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research* https://www.researchgate.net/publication/322845531_Art_Education_and_Its_Problems_in_Global_Context
- Asvad, S., & Eslami, E. (2021). Art education curriculum in primary schools from teachers' perspectives in Mahabad county. *Modern Educational Thoughts*, 17(1), 183-218. <https://sid.ir/paper/507171/fa>
- Bowen, D. H., & Kisida, B. (2023). Investigating arts education effects on school engagement and climate. *Educational Policy*, 0(0). <https://doi.org/10.1177/08959048231174880>
- Dadashi, S., Sabze, B., & Bazgir, T. (2022). Analysis of teachers' experiences in implementing art curriculum in virtual education for primary school. *Curriculum Theory and Practice*, 10(20), 89-128. <https://cstp.khu.ac.ir/article-1-3367-fa.html>
- Ebrahimi Nia, A., Zanganeh Motlagh, F., Jafarian Yasar, H., & Mohammadi Naeini, M. (2020). Analysis of aesthetic education curriculum and identification of aesthetic teaching strategies in Farhangian University. *Teaching Research*, 8(4), 164-192. https://trj.uok.ac.ir/article_61675.html
- Ghajar, J. (2015). *Foundations and infrastructures of art education*. Tehran: Nazari Publications.
- Schneider, V., & Rohmann, A. (2021). Arts in Education: A Systematic Review of Competency Outcomes in Quasi-Experimental and Experimental Studies. *Frontiers in psychology*, 12, 623935. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.623935>
- Shariati, F., Niazazari, K., & Jabbary, N. (2024). Presenting a Model for Virtual Education Considering Educational Equity with a Phenomenological Approach in Schools of Golestan Province [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(1), 66-78. <https://doi.org/10.61838/kman.ijes.7.1.7>
- Thakur, R., Singh, A., & Prakash, B. (2024). Technology-Driven Learning System in Higher Education. 209-222. <https://doi.org/10.1201/9781032656830-12>
- Toto, G. A., Marinelli, C. V., Cavioni, V., Di Furia, M., Traetta, L., Iuso, S., & et al. (2024). What is the role of Technologies for Inclusive Education? A systematic review. In (pp. 533-565). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-67351-1_36
- Zahiri, F., Safari, M., Goodarzi, H., & Bayati, A. A. (2022). Design and validation of four elements of a curriculum model based on aesthetic and art components in secondary education. *Journal of Psychological Studies of Adolescents and Youth*, 3(3), 280-303. <https://doi.org/10.61838/kman.jayps.3.3.22>
- Zarei, A., & Dehghani, M. (2020). Exploring lived experiences and analyzing elementary teachers' perceptions of art teaching: A phenomenological study. <https://civilica.com/doc/1293246> (5th National Teacher Education Conference)
- Zhang, X., Sazalli, N. A. H., Miskam, M., & Nadjwa, N. (2024). Improving Teachers' Digital Competence in Higher Education: A Systematic Literature Review. *International Journal of Academic Research in Progressive Education and Development*, 13(1). <https://doi.org/10.6007/IJARPED/v13-i1/20560>